



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 33, Issue 4, No.88, Winter 2023, pp. 95-122

Received: 05.09.2021 Accepted: 23.06.2022

Research Paper

Women's Role in Family Happiness: A Qualitative Study in Yazd

Zahra Falakodin

Ph.D. Student in Economic Sociology and Development, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran
Zahra.falakodin93@gmail.com

Masoud Hajizadeh Meymandi *

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran
mhadjizadeh@yazd.ac.ir

Introduction

Happiness and vitality have been the raw materials of change, evolution, and social life for human beings. They have been among the indicators of development in societies. In terms of social policy, happiness is also a very important issue because the happier a nation is, the more he/she will feel prosperous. From this perspective and in the field of social policy, happiness is considered by several thinkers as one of the components of social welfare and by others as the end of social policy, in which a person's needs are met and his problems are managed so that he/she feels happy and satisfied. Happiness is one of the characteristics of Iranian culture and has an impact on family institution. Creating happiness by parents in the family environment can bring dynamism to the society. The happier the parents are, the happier the children will be and vice versa because the people's happiness in the family is understandable. Because of the importance of happiness in the family environment, the aim of this research was to explore woman's role in family happiness.

Materials & Methods

The present study was a qualitative research, which was conducted based on thematic analysis in Yazd City in 2019. The study sample included all the married women aged 22-55 years, who had at least one child, in Yazd City. Some of them, including housewives to employees, had up to 3 children. Purposeful sampling was performed with maximum variability. To access the study area, the necessary arrangements were made for those, who wished to be interviewed. The interviews were held in the places where the interviewees were more comfortable and chose themselves. Some interviews were conducted at the interviewees' homes and some were recorded outside their homes. In-depth interviews were done with 20 women until they were saturated. This meant that interviewing with new samples added no additional information to the research. The times of interviews took from 50 minutes up to an hour and 10 minutes. The interviews were recorded and transcribed. This step was performed with the knowledge of the principle of confidentiality and anonymity of the research participants. In

the last step, the data were coded and analyzed by the thematic analysis technique.

Discussion of Results & Conclusions

The results were presented in 5 final themes: acceptance of the role of motherhood, economic management, acceptance of the role of femininity, interactive-supportive strategies, and elimination of cultural stereo-types. The findings showed that the conditions that created family happiness by women were provided by accepting and playing the roles of motherhood and femininity. Also, putting aside cultural stereotypes and confronting economic problems when dealing with the members increased family happiness. The women sought to increase happiness by creating their own interactive and supportive strategies and an intimate discourse atmosphere in the family. The women of the present study did their best to have a happy and lively family environment since they considered their family members' happiness as their own happiness. They felt happy when their spouse and children were happy.

* Corresponding author

Falakodin, Z., and Hajizadeh Meymandi, M. (2023). Women's Role in Family Happiness: A Qualitative Study in Yazd. *Journal of Applied Sociology*, 33(4), 95-122.



In fact, happiness for them was summed up as the happiness of their family institutions. It could be concluded that the micro- and macro-level factors in the society affected the way women created happiness in their family environments. This meant that the micro-level factors included psychological factors, such as acceptance of motherhood roles, acceptance of marital duties, and interactive-supportive strategies in individual families. Also, at the macro-level of the society, factors like cultural and

economic issues inevitably affected the creation of happiness by mothers in the home environment. Consequently, a type of discourse that creates happiness through cultural and educational institutions in the family institution at the micro level and in the society at the macro level is recommended.

Keywords: Happiness, Family, Motherhood Role, Role of Femininity, Qualitative Method, Yazd City



<http://dx.doi.org/10.22108/jas.2022.130447.2170>




<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1401.33.4.5.4>

مقاله پژوهشی

نقش زنان در شادکامی خانواده: مطالعه کیفی در شهر یزد

زهرا فلک‌الدین، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

Zahra.falakodin93@gmail.com

مسعود حاجی زاده میمندی* ، دانشیار، بخش جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

mhadjizadeh@yazd.ac.ir

چکیده

شادکامی یکی از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی که در نهاد خانواده اثرگذار است. ایجاد شادکامی در محیط خانواده از سوی والدین، پویایی جامعه را به همراه دارد. باتوجه به اهمیت موضوع شادکامی در محیط خانواده، هدف پژوهش حاضر واکاوی نقش زنان در شادکامی خانواده است. روش پژوهش حاضر، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. همچنین، داده‌ها با ۲۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در شهر یزد جمع‌آوری شد و در نهایت، کدگذاری با شش مرحله تحلیل مضمون صورت گرفت. نتایج در پنج مضمون نهایی با عنوان، پذیرش نقش مادرانگی، مدیریت اقتصادی، پذیرش نقش زنانگی، راهبردهای تعاملی-حمایتی و کنارگذاشتن کلیشه‌های فرهنگی مطرح شد. یافته‌های پژوهش نشان داد موقعیتی که به وجود آورنده شادکامی خانواده از سوی زنان است با پذیرش و ایفای نقش مادرانگی و زنانگی انجام می‌شود. همچنین، کنارگذاشتن کلیشه‌های فرهنگی و مقابله با چالش‌های اقتصادی در رویارویی با اعضا باعث افزایش شادکامی خانواده می‌شود. زنان با ایجاد راهبردهای تعاملی و حمایتی خویش در خانواده و ایجاد فضای گفتگویی صمیمی در پی ایجاد افزایش شادکامی در خانواده هستند. به این معنا که زنان پژوهش حاضر همه توان خویش را به کار می‌گیرند تا محیط خانواده‌ای شاد و بانشاطی داشته باشند؛ زیرا آنان شادکامی اعضای خانواده را شادی خویش می‌دانند و از نظر آنان وقتی که همسر و فرزندان شاد هستند، آنان نیز احساس شادکامی می‌کنند. در واقع، شادی برای آنان در نهاد خانواده خلاصه می‌شود. نهادهای فرهنگی، آموزشی و خانواده‌ها برای گفتمان‌سازی ایجاد شادکامی در سطح خرد، خانواده و در سطح کلان، جامعه را توصیه می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: شادکامی، خانواده، نقش مادرانگی، نقش زنانگی، روش کیفی، شهر یزد.

* نویسنده مسئول

فلک‌الدین، ز. و حاجی‌زاده میمندی، م. (۱۴۰۱). «نقش زنان در شادکامی خانواده: مطالعه کیفی در شهر یزد»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳(۴)، ۹۵-۱۲۲.



2322- 343X/ © 2023

This is an open access article under the CC-BY-NC-ND 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



<http://dx.doi.org/10.22108/jas.2022.130447.2170>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1401.33.4.5.4>

www.SID.ir

مقدمه و بیان مسئله

شادی و نشاط ماده‌ اولیه تغییر و تحول حیات اجتماعی انسان‌هاست که به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه در جوامع تبدیل شده است. از بُعد سیاست‌گذاری اجتماعی نیز شادکامی^۱ مسئله بسیار مهمی است؛ زیرا هر قدر ملتی شاد باشد، احساس رفاه بیشتری خواهد داشت. از این منظر، شادکامی به باور برخی از اندیشمندان حوزه سیاست اجتماعی خود از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی و از منظر برخی غایت سیاست اجتماعی است که در آن نیازهای فرد تأمین و مسائل او مدیریت و مرتفع شده است و در نتیجه، احساس شادکامی و خرسندی می‌کند (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳). در واقع، شادکامی چندین جزء اساسی را در بر می‌گیرد: ۱- جزء هیجانی که فرد شادکام از نظر خلقی، شاد و خوشحال است؛ ۲- جزء اجتماعی که فرد شادکام روابط اجتماعی خوبی با دیگران دارد و می‌تواند از آنها حمایت اجتماعی دریافت کند؛ ۳- جزء شناختی که باعث می‌شود، فرد شادکام اطلاعات را به روش خاصی پردازش، تعبیر و تفسیر کند که در نهایت، باعث احساس شادی و خوش بینی وی می‌شود (بیات و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱). کار^۲ (2003) اشاره می‌کند که هر چه محیط زندگی لذت‌بخش‌تر باشد، به‌طور چشمگیری با شادکامی و رضایت از زندگی بیشتری نیز همراه است (بیات و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵). از آنجا که سازمان بهداشت جهانی (WHO, 1948) روش‌های اندازه‌گیری و ارتقا کیفیت زندگی مردم در سراسر جهان را ایجاد کرد، از دهه 1950 میلادی، علاقه به شادی در پوشش بهزیستی ذهنی^۳ افزایش یافته است (Cieslik, 2015: 223). از سوی دیگر، نظریه‌پردازان و پژوهشگران حیطه‌های علوم‌زیستی و علوم‌انسانی سعی کرده‌اند، منابع مؤثر بر عوامل شادمانی را معرفی کنند. این منابع و عوامل در زیرمجموعه‌ای از عوامل خانوادگی، روانی، جسمانی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی بحث می‌شوند (جعفری‌صحراروی، ۱۳۹۹: ۱۴۷).

در میان عوامل اجتماعی به نقش خانواده در شکل‌گیری شادمانی همچون ویژگی‌های انسان بیشتر توجه شده است. افرادی که شادمان هستند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند و آسان‌تر تصمیم می‌گیرند (بیات، ۱۳۹۶: ۹۲). این شادی در محیط خانواده آشکار می‌شود. به همین خاطر، خانواده‌ها برای جامعه و افراد تشکیل‌دهنده آن مهم هستند. اهمیت خانواده به‌عنوان یک واحد اقتصادی در تقویت رشد فردی نیز به‌طور کامل اثبات شده است. با توجه به اینکه روابط خانوادگی به شدت با سلامت فرد مرتبط است، ماهیت چنین تعامل‌های خانوادگی به‌طور کلی بر رفاه عمومی فرد اثرگذار است؛ بنابراین سطح کافی حمایت اجتماعی در خانواده‌ها برای سعادت فردی ضروری است (Botha & Booyesen, 2014: 164). کارکردهای خانواده در هر زمان، مکان و فرهنگی متغیر است و با توجه به تغییراتی که در این کارکردها در دوران معاصر به وجود آمده است، جامعه‌شناسان معتقدند بسیاری از کارکردهای خانواده که در گذشته باعث دوام و استحکام آن شده است، هم‌اکنون بی‌اهمیت‌شده یا تغییر کرده است؛ ولی برخی از این کارکردها نه تنها تغییر نکرده، مهم‌تر نیز شده است؛ زیرا سهم بیشتری در بقا و تداوم خانواده دارد. کارکرد آرامش‌بخشی یکی از این کارکردهاست (بستان، ۱۳۸۸: ۹) و یکی از اصلی‌ترین عرصه‌ها برای ایجاد روابط صمیمی است (Nordenmark, 2018: 2). این میان، والدین به‌عنوان ارکان خانواده و اولین عامل اجتماعی‌کردن کودکان نقش مهمی در تحول روانی و اجتماعی آنها برعهده دارند (شیشه‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۴). کینوه^۴ و همکاران (2017) عوامل مؤثر بر شادی ذهنی کودکان در سنین مدرسه را بررسی کردند. مطالعه توصیفی مقطعی آنها نشان داد که خوشبختی ذهنی کودکان از نظر آماری با تعامل خانواده و مادران ارتباط معنی‌داری دارد. هیدی و همکاران^۵ (2014) پیشنهاد کردند که والدین، شادی را همراه با ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط به آن به فرزندان خود منتقل کنند (Maftai et al., 2020: 2). همچنین، مجموعه فراوانی از تحقیقات نشان

¹ Happiness² Kar³ SWB⁴ Kinoooh et al.⁵ Headey et al.

عمده‌ای مواجه شدند (روحانی و ابوظالی، ۱۳۸۸: ۵۶). از آنجایی که دستیابی به جامعه سالم، آشکارا درگرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری اعضای آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر است و از طرفی، محیط خانواده باید یک محیط امن، مستحکم، پایدار، صمیمی و بانشاط باشد، سالم‌سازی اعضای خانواده و رابطه‌هایشان، بی‌گمان اثرهای مثبتی در جامعه دارد؛ بنابراین اگر به دنبال جامعه‌ای سالم هستیم، باید در وهله نخست خانواده‌ای سالم و کارآمد داشته باشیم (جهان‌بزرگی و هنرپروران، ۱۳۹۸: ۴۷)؛ بنابراین ملاک‌هایی که برای کارکرد خانواده سالم در نظر گرفته می‌شود، عبارت است از: تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و رفع نیازهای مالی، روانی و عاطفی اعضا که در جامعه ما ابتدا پدر و در درجه دوم مادر نیازهای اقتصادی خانواده را تأمین می‌کنند؛ ولی رفع نیازهای مالی، روانی و عاطفی اعضا در حیطه عملکرد کل نظام خانواده و البته مادر است. از کارکردهای بعدی خانواده، حمایت اعضا در برابر بحران‌ها و فشارهای زندگی است (زهادت و امیدوار، ۱۳۹۵: ۳۰).

علاوه بر این، آلسینا و جولیانو^۴ (2010) داده‌های نظرسنجی ارزش‌های جهانی را تجزیه و تحلیل و گزارش کردند که مردم از زندگی در کشورهایی که روابط خانوادگی قوی‌تری دارند، خوشحال‌تر و راضی‌ترند. همچنین، تحقیقات موجود نشان می‌دهد که روابط سالم خانوادگی و تعامل بین اعضای خانواده با رفاه فردی ارتباط مثبت دارد (Botha & Booysen, 2014: 164). نوجوانانی که به شدت در خانواده‌های خود ادغام شده‌اند، کمتر در معرض آنومی و خودکشی قرار می‌گیرند، کمتر درگیر رفتارهای پرخطر می‌شوند؛ در نتیجه، پیشرفت تحصیلی بهتری دارند (Gudmundsdóttir et al., 2016: 1222). در واقع، انسان برای شادزیستن خلق شده است و تمام لوازم شادزیستن را نیز در اختیار دارد. بیشتر مردم توافق دارند که شادی، آرامش خاطر و رضایت باطن است. وقتی افراد شادمان‌اند، از نظر اجتماعی بسیار فعال هستند، افراد جدیدی را

می‌دهد که به طور متوسط، مادران بیشتر از پدران از کودکان مراقبت می‌کنند (McDonnell et al., 2019: 2554). زنان به طور سنتی، بیشتر درگیر زندگی خانوادگی هستند؛ درحالی که مردان نان‌آور اصلی خانواده بوده‌اند. به عبارت دیگر، خانواده برای سطح شادی برای زنان و مشاغل برای مردان مهم‌تر است (Nordenmark, 2018: 1). در واقع، کراکت^۱ و همکاران (1993) و کندال^۲ (1990) از این مفهوم حمایت می‌کنند که مادران در زندگی فرزندان اهمیت بیشتری دارند و پدران از لحاظ مالی کمک بیشتری به فرزندان می‌کنند (Gray et al., 2013: 167)؛ برای مثال، افزایش برون‌زا در درآمد زنان در مقایسه با افزایش مشابه درآمد مردان، اثرهای بیشتری بر سلامت فرزند دارد. به طور غیرمستقیم، مادران تمایل دارند به نسبت بیشتر برای مواردی هزینه کنند که در نهایت، بر سلامت فرزند آنها اثر گذار است (Ong et al., 2013: 486). همچنین، پارسونز و بیلز^۳ (1956) اظهار داشتند که پدران تمایل دارند که نقشی ایزاری (سودمند) داشته باشند؛ درحالی که مادران نقش بیانی در خانواده دارند (Ong et al., 2013: 487).

درواقع، شادمانی زنان و خانواده یکی از بحث‌های اساسی حوزه توسعه در کشورهای پیشرفته جهان است. زنان علاوه بر اینکه حدود نیمی از جمعیت کشور و بخش مهمی از جمعیت فعال اقتصادی‌اند که می‌توانند سهم بسزایی در توسعه اقتصادی اجتماعی ایفا کنند، خود ستون ایجاد مهر، شادی و محبت در خانواده‌اند و از این رو در صورت ارتقای سطح شادمانی زنان می‌توان پیش‌بینی کرد که سطح شادمانی خانواده و به‌ویژه نسل جدید نیز افزایش یابد (اعظم‌آزاده و تافته، ۱۳۹۴: ۳۲۶)؛ زیرا پس از انقلاب صنعتی، همگام با صدور تکنولوژی تغییراتی در ساخت اقتصادی، کارکرد خانواده و نقش اعضا آن به وجود آمد و به دنبال آن زنان و نقش آنها هم به‌عنوان عضوی از اعضای خانواده، از این تغییرات ساختی بی‌بهره نماندند و با دگرگونی‌های

¹ Crockett et al.

² Kendall

³ Parsons & Bells

⁴ Alsina & Giuliano

موضوع باید ابتدا از سطح خرد و نهاد خانواده شروع کرد و درباره چگونگی ایجاد شادکامی در محیط خانواده از سوی والدین مطالعه صورت گیرد؛ زیرا در مصاحبه‌های اکتشافی و نهایی که از سوی محقق صورت گرفت، زنان مطالعه حاضر نیز به موضوع شادکامی خانواده بسیار حساس بودند و در جای‌جای مصاحبه‌ها به مسئله‌بودن پژوهش و علاقه خود به آن می‌گفتند و بیان می‌کردند که تاکنون کسی درباره شادمانی خود و خانواده از آنان چیزی نپرسیده است. آنان بیان کردند که اگر زنان خانواده شادمان باشند، همه تلاش خویش را برای شادی خانواده به کار خواهند برد و مانند یک منبع انرژی برای دیگران عمل می‌کنند؛ زیرا اگر نتوانند وظایف مادری و همسری خویش را درست عمل کنند، شادی اعضا نیز تحت تأثیر مادر خانواده قرار می‌گیرد و اثرهای مخربی خواهد داشت. پس شادکامی مسئله‌ای اجتماعی است؛ اما در بین والدین نیز نقش مادران و زنان بسیار حیاتی و پررنگ است؛ زیرا مادران همواره در طول تاریخ دوشادوش مردان، مشارکت فعال اجتماعی و اقتصادی دارند و علاوه بر نقش والای خود در محیط خانواده، به تعلیم و تربیت فرزندان نیز مشغول هستند؛ زیرا مادران بیشتر از پدران با اعضای خانواده وقت می‌گذرانند و وظایف درون خانه بیشتر برعهده مادران است. در واقع، آنان با مهر و عطوفت مادری خویش سعی می‌کنند، مشکلات خانوادگی و تعاملی را خنثی کنند و تا جایی که امکان دارد، محیط شادی را برای اعضای خانواده و همسر خویش رقم بزنند؛ زیرا شادی در فرهنگ ایرانی نهادینه شده است. با توجه به اهمیت موضوع شادکامی و نهاد خانواده، در مطالعه حاضر کوشش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که زنان با توجه به نقش مادری خویش چگونه شادکامی را در محیط خانواده برای اعضای خانواده فراهم می‌کنند.

پیشینه پژوهش

چاوشی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «اثر بخشی آموزش مبتنی بر مدل بومی خانواده شادی محور بر عملکرد خانواده» انجام دادند. نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات

می‌خواهند ملاقات و دوست دارند به دیگران کمک کنند (کاشانی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷). از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سالم و سازنده میان انسان‌ها، برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است (خمسه و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲). همچنین، یافته‌های پژوهش‌های داخل نشان می‌دهد که شادکامی، سلامت روانی و جسمانی را بهبود می‌بخشد. افراد شادکام، سالم‌تر و بسیار موفق‌ترند و درگیری و تعهد اجتماعی بیشتری دارند. افرادی که شاد هستند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، روحیه مشارکت بیشتری دارند و در مقایسه با کسانی که با آنها زندگی می‌کنند، احساس رضایت بیشتری دارند (سعادتیان و شیرافکن، ۱۳۹۷: ۸۵).

به همین خاطر، فرهنگ‌های مختلف در سراسر جهان ورکشاپ‌ها، گروه‌ها، شیوه‌ها و کتاب‌های خودیاری را ارائه می‌دهند تا ابزاری را برای ایجاد و حفظ شادی در زندگی روزمره فراهم کنند. تلاش برای خوشبختی در فرهنگ معاصر چنان مسلط شده است که چندین محقق با در نظر گرفتن خوشبختی به‌عنوان یک ضرورت اخلاقی، این روند را مشاهده کرده‌اند (Shoshana, 2020: 540). گزارش جهانی شادی سال 2020 رتبه ایران را ۱۱۸ گزارش کرد؛ یعنی ایران در جایگاه ۱۱۸ جهان قرار دارد و سال 2015 با رتبه ۱۱۱ و در نهایت، سال 2010 رتبه ۱۱۰ گزارش شده است که نشان می‌دهد، رتبه ایران در شاخص شادی بدتر شده و سیر نزولی داشته است (worldbank, 2020). همچنین، میزان شادی در کل کشور نیز در یک طرح ملی در سال ۱۳۹۱ بیان شده است که افراد واقع در سنین ۶۵-۱۸ بودند. حجم نمونه مطالعه شده ۲۷۸۸۳ نفر در سراسر کشور بود که برآورد شده است، سهم هراستان حداقل ۸۰۰ نفر است که رتبه کل کشور ۳/۴۳ بوده است و استان یزد با میانگین ۳/۱۲ بوده است و استان زنجان با ۳/۶۹ شادترین استان و استان یزد غمگین‌ترین استان گزارش شده است (منتظری و همکاران، ۱۳۹۱)؛ البته در این مطالعه میانگین شهرها خیلی بهم نزدیک بود. این آمارها نشان از کم بودن شادکامی اعضای جامعه دارد که برای مطالعه این

گرفت. نتایج پژوهش بیانگر این است که درک و تفسیر زنان از شادی در چرخه زندگی ثابت نیست و تجربه‌های نسلی، سیاست جنسیتی و واقعیت بیولوژیک سن چطور در دوره‌های مختلف زندگی تغییراتی را نمایش می‌دهند و در فعالیت‌ها و علایق آنها نمود خارجی می‌یابد.

عنبری و حق‌ی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان» انجام دادند. در مقاله حاضر، آثار ریسک‌های اجتماعی بر میزان نشاط اجتماعی زنان شهری و روستایی دلجان بررسی شده است. براساس یافته‌های پژوهش، میزان نشاط زنان بررسی شده، برحسب متغیرهای زمینه‌ای و خانوادگی تغییر یافته است. از میان ریسک‌های اجتماعی بررسی شده، گرایش و اقدام به خودکشی، طلاق و خشونت‌های خانوادگی و دیررسی ازدواج، سطح اثر دیررسی ازدواج بر نشاط زنان، به‌طور کامل معنادار بوده است. این اثر به‌طور خاص در مناطق روستایی بیشتر و واضح‌تر بوده است. این تصور که مشارکت زنان در فعالیت‌های بیرون از خانه و گسترش دامنه انتخاب آنها، باعث افزایش نشاطشان می‌شود، تأیید شد. براساس یافته‌های تحلیلی، در مناطق شهری، مقوله بیگانگی اجتماعی و در مناطق روستایی، احساس امنیت اجتماعی، بیشترین اثر را در نشاط زنان داشته است.

نجف‌آبادی و سام آرام (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «بررسی میزان احساس شادی زنان جوان ۲۴-۱۵ ساله شهر اصفهان با تأکید بر میزان برخورداری از حقوق شهروندی» انجام دادند. میانگین احساس شادی در بین زنان جوان ۲۴-۱۵ ساله شهر اصفهان ۵۳/۵۴ بوده است که به ترتیب بُعد احساسی، اجتماعی و شناختی بیشترین میزان را داشت. میانگین بُعد احقاق حقوق شهروندی در بین زنان جوان شهر اصفهان، ۵۲/۶۱ و میانگین بُعد احساسی آن ۵۲/۷۲ درصد است؛ به طوری که نابرابری در احقاق حقوق بیشتر از بُعد احساسی در زنان جوان است. همچنین، با برخورداری از حقوق شهروندی و شادی ارتباطی مستقیم است؛ به طوری که در این ارتباط برخورداری از

پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و گروه کنترل، تفاوت معناداری وجود دارد. بر این اساس، نتیجه‌گیری می‌شود که برای افزایش عملکرد مثبت خانواده از بسته آموزشی مبتنی بر الگوی بومی خانواده شادی محور استفاده شود.

علی‌پور نوترتاش و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «اثر بخشی واقعیت‌درمانی گروهی بر شادکامی و کنترل خشم زنان سرپرست خانوار کمیته امداد تبریز» انجام داد. نتایج نشان داد که واقعیت‌درمانی گروهی باعث کاهش معنی‌دار میزان خشم در بین زنان سرپرست خانواده و همچنین، باعث افزایش معنی‌دار میزان شادکامی زنان سرپرست خانواده می‌شود.

رشیدی‌کوچی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «نقش سرمایه‌های روان‌شناختی مثبت و عملکرد خانواده در پیش‌بینی شادکامی در دانش‌آموزان دبیرستانی» انجام دادند. نمونه پژوهش شامل ۲۹۰ نفر از دانش‌آموزان بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که مؤلفه‌های عملکرد خانواده و سرمایه‌های روان‌شناسی مثبت با شادکامی ارتباط مثبت معنادار دارد. نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که نقش‌ها، تاب‌آوری، خودکارآمدی، خوش‌بینی و ابراز عواطف به ترتیب نقش معناداری در پیش‌بینی شادکامی دارند.

فرخی و سبزی (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «شادکامی و ادراک الگوهای ارتباطی خانواده: نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی» انجام دادند. پژوهش حاضر با دویست و هفتاد نفر (۱۲۳ پسر، ۱۴۷ دختر) از دانشجویان دانشگاه شیراز انجام شد. نتایج نشان داد که جهت‌گیری گفت‌و شنود، پیش‌بینی‌کننده مثبت شادکامی است. در نهایت، سرمایه روان‌شناختی نقش واسطه‌ای را بین الگوهای ارتباطی خانواده و شادکامی داشت. مجموع یافته‌ها نشان داد، ارتباط مطلوب در خانواده زمینه‌های تعامل بیشتر را برای اعضا فراهم می‌کند و با رشد بسیاری از توانایی‌های فردی منجر به شادکامی می‌شود.

آخوند فیض و ذکائی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «تحول معنای شادی در گذار دوره زندگی: پژوهشی در میان زنان شهر کرمان» انجام دادند. این مقاله با اتکا به رویکردی کیفی انجام

از والدین اظهار داشتند که برنامه شلوغ و کمبود وقت خانواده برای کیفیت زندگی آنها مضر است. تعادل بین زندگی و کار و ثبات مالی از دیگر عواملی است که ذکر شده است.

گادماندسدوتیر و همکاران^۳ (2016) پژوهشی با عنوان «بحران اقتصادی چگونه بر شادکامی نوجوانان تأثیر می‌گذارد؟ نظرسنجی‌های مبتنی بر جمعیت در ایسلند در سال 2010-2000» انجام دادند. داده‌ها از مجموعه نظرسنجی‌های جمعیتی از نوجوانان ایسلندی در سال‌های 2000، 2006، 2009 و 2010 به دست آمده است. در مجموع، ۲۸،۴۸۴ نوجوان شرکت کردند. نتایج نشان داد که شادی در نوجوانان از سال 2000 تا 2010 با وجود بحران اقتصادی ۵ درصد افزایش یافته است. با وجود این، نوجوانانی که به ندرت اوقات را با والدین خود می‌گذرانند و یا در دریافت حمایت عاطفی از والدین دچار مشکل می‌شوند، کاهش خوشبختی را نشان می‌دهند. کسانی که دریافت حمایت عاطفی از والدین داشتند، در هر زمان شادترین بودند. حمایت عاطفی والدین همراه با گذراندن اوقات با پدر و مادر بیشترین اثر را در خوشبختی نوجوانان داشت.

هیدی و همکاران^۴ (2014) پژوهشی با عنوان «والدین خوشبختی را همراه با ارزش‌ها و رفتارهای وابسته به فرزندان خود منتقل می‌کنند: سود سهام شادی مادام‌العمر؟» انجام دادند. داده‌ها از ۲۵ موج پانل اقتصادی و اجتماعی آلمان به دست آمده است. داده‌ها نشان می‌دهد که انتقال خوشبختی (غیر) از والدین به فرزندان تا حدودی به دلیل انتقال ارزش‌ها و رفتارهایی است که با شادی همراه است. این ارزش‌ها و رفتارها شامل اولویت دادن به ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی به جای ارزش‌های مادی، حفظ تعادل ترجیحی بین کار و اوقات فراغت، مشارکت اجتماعی فعال و ورزش منظم است. هر دو والدین اثر یکسانی دارند. با این حال، رضایت از زندگی کودکان همچنان با انتقال ارزش‌ها و رفتارها، به‌طور مستقیم تحت تأثیر رضایت از زندگی مادران آنهاست و اثر پدرها فقط غیرمستقیم است.

حقوق شهروندی ابتدا با بُعد شناختی و سپس با بُعد احساسی و در نهایت، با بُعد اجتماعی شادی قوی‌تر است.

جمیلی کهنه شهری و رنجبر (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی شادمانی زنان متأهل دانشجوی» انجام دادند. دیدگاه ۲۲ زن متأهل دانشجوی با مصاحبه عمیق و نیمه استاندارد، تحلیل مقایسه‌ای شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که تعمیم فرضیه جسی برنارد مبنی بر اینکه تأهل بیشتر از مجرد در زنان موجب ناشادمانی است، در نمونه مدنظر به شدت در چالش قرار گرفته است. روند فرضیه‌یابی در نمونه‌ها نشان داد که متغیر مستقل دوگانگی نظر و عمل شوهر اثر منفی و قوی بر شادمانی زنان و اثر مستقیم بر شادمانی وانمودی آنان داشته است. همچنین، رابطه ازدواج ترکیبی و متجانس با شادمانی زنان مثبت و رابطه منفی از آن ازدواج مدرن بوده است.

چی^۱ و همکاران (2019) پژوهشی با عنوان «سرایت بهزیستی (تندرستی) در خانواده: انتقال خوشبختی و پریشانی بین والدین و فرزندان» انجام دادند. تجزیه و تحلیل با استفاده از داده‌های پانل مطالعات خانواده در چین انجام شد و ۲۹۷۱ نوجوان و والدین آنها در سال 2010 و 2014 مطالعه شدند. نتایج نشان داد که جنبه مثبت بهزیستی، یعنی بهزیستی ذهنی تا حدودی به‌طور کامل در میان تمام اعضای خانواده منتقل شده است. در مقابل، جنبه منفی بهزیستی، یعنی پریشانی روان‌شناختی فقط از پدران به مادران و از پدران به کودکان نوجوان منتقل می‌شود. یک اثر خاص جنسیتی پدیدار شد؛ به‌طوری که پسران به‌جای دختران بهزیستی ذهنی پدران را پیش‌بینی می‌کردند.

اک و همکاران^۲ (2019) پژوهشی با عنوان «اگر خانواده من خوشبخت هستند، پس من خوشحالم: عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی والدین کودکان در سن مدرسه» انجام دادند. والدین (۱۵۸ نفر) گزارش کردند که کیفیت زندگی آنها تحت تأثیر شادی خانواده و سلامت والدین و کودک قرار دارد (برای مثال خواب کافی، ورزش، رژیم غذایی سالم). بسیاری

³ Gudmundsdóttir et al.

⁴ Headey et al.

¹ Chi et al.

² Eck et al.



نقد و بررسی پیشینه‌ها

می‌کند و همچنین این احساس را به وجود می‌آورد که با خود بگوید: زنده‌بودن چه چیزی خوب است؛ یعنی در نهاد کودک تنها آرزوی زنده‌ماندن، بلکه عشق به زندگی را القا می‌کند. برخلاف عشق برادرانه و زن و مرد که عشق برابر است. روابط مادر و فرزند به سبب ماهیت خاصی که دارد، بر پایه نابرابری است. شخصی به همه یاری‌ها نیاز دارد و دیگری همه آن یاری‌ها را فراهم می‌آورد. به دلیل خاصیت پرستارانه و فداکارانه است که عشق مادرانه بالاترین نوع عشق‌ها و مقدس‌ترین پیوندهای عاطفی است. در واقع، عده زیادی از مادران کودکانشان را تا وقتی دوست دارند که کوچک و تمام و کمال به وجود مادر وابسته هستند (طلوعی، ۱۳۹۷: ۲۸۴).

عشق سیال زیگمونت باومن

از نظر وی عشق، یعنی بقای خویشتن با غیریت خویشتن؛ بنابراین عشق یعنی میل به محافظت کردن، تغذیه کردن، حمایت کردن، نوازش کردن، لوس کردن یا مراقبت حسودانه، محصور کردن، محبوس کردن، در خدمت بودن تحت اختیار و نظارت بودن و منتظر فرمان بودن؛ ولی در عین حال، ممکن است به معنای خلع ید و به دست گرفتن مسئولیت هم باشد. (باومن، ۱۳۸۴: ۳۲). در زمان گذشته تقسیم کار و توزیع نقش‌های خانوادگی با یکدیگر همپوشانی داشت. بچه به خانواده می‌پیوست تا نیروی کار کارگاه یا مزرعه را افزایش دهد؛ در نتیجه، ورود بچه را عامل بهبود رفاه خانواده می‌پنداشتند. همچنین، با بچه‌ها به خشونت رفتار می‌کردند و بر آنها سلطه داشتند و با این همه، بچه‌ها از هر نظر سرمایه‌گذاری‌های خوبی بودند و به همین دلیل از آنها استقبال می‌کردند. شمار بچه‌ها هرچه بیشتر، بهتر (باومن، ۱۳۸۴: ۷۷)؛ اما در زمان ما بچه‌ها پیش از هر چیز ابژه‌ای برای مصرف عاطفی هستند. ابژه‌های مصرف در خدمت نیازها، میل‌ها یا خواسته‌های مصرف‌کننده‌اند. والدین بچه‌ها را برای شادی‌های حاصل از لذت خویش می‌خواهند؛ یعنی همان شادی‌هایی که

مرور پیشینه‌ها در حوزه شادکامی از سوی محقق، نشان داد که تحقیقات انجام‌شده بیشتر در حوزه روان‌شناختی بوده است و تحقیقات جامعه‌شناختی نیز بیشتر درباره متغیرهای اجتماعی و فرهنگی بحث کرده‌اند که چقدر بر شادی افراد اثرگذار است و کارهای صورت‌گرفته در حوزه زنان نیز به شادکامی خود آنان توجه شده است؛ اما درباره نقش خود زنان و مادران به عنوان ارکان خانواده که چگونه این شادکامی را در محیط خانواده به عنوان اولین نهاد اثرگذار در جامعه، به وجود می‌آورند، کاری صورت نگرفته است که در پژوهش حاضر با روش کیفی به این مسئله توجه است. همچنین، با روش کیفی نیز کارهای زیادی انجام نشده و در حوزه تحقیقات لاتین نیز، به بحث خانواده و نقش والدین خیلی توجه شده است؛ اما نه به آنگونه‌ای که مدنظر پژوهش حاضر است.

مبانی نظری

از آنجایی که موضوع شادکامی بیشتر در حیطه روانشناسی مثبت ظهور پیدا کرد و بعد به سمت جامعه‌شناسی کشیده شد، نظریه‌ها بیشتر روان‌شناختی است و روانشناسان مقوله شادکامی را امری فردی می‌دانند. نظریه‌های جامعه‌شناختی زیادی در این حوزه وجود ندارد و نظریه‌های مطرح‌شده هم به صورت غیرمستقیم به مسئله شادکامی توجه کرده‌اند. در ادامه، برخی از نظریه‌های جامعه‌شناختی بررسی و در نهایت، جمع‌بندی می‌شود.

نظریه دیالوگ عاشقانه اریک فروم^۱

عشق مادرانه: قبول بدون قید و شرط، زندگی کودک و احتیاج‌های اوست. قبول زندگی کودک دو جنبه دارد: ۱- توجه و مسئولیتی که صد درصد برای رشد و حیات کودک لازم است؛ ۲- رویه‌ای که در کودک عشق به زندگی را ایجاد

^۱ Erich Fromm

می‌دهد که در بزرگسالی برقرار می‌شود و اغلب به انواع حرکت‌ها و کردارهای عاطفی نیز میدان می‌دهد. با آنکه هر نوع عاطفه خاص باید یاد گرفته و به‌طور کلی برحسب قرائن درک شود، واکنش‌های عاطفی از ویژگی‌های طبیعی زندگی کودک خردسال است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۹۶).

ماکس هورکهایمر^۱

خانواده به‌منزله یکی از مهم‌ترین نهادهای پرورشی ضامن ظهور نوعی از ویژگی انسان است که زندگی اجتماعی اقتضا می‌کند و تا حد زیادی سازگاری ضروری با رفتار خاص اقتدارمنشانه را به انسان می‌دهد. رفتاری که وجود نظم بورژوازی بسیار به آن وابسته است (میلر، ۱۳۸۲: ۵۱). هگل زنانگی را به‌منزله اصل عشق برای انسان کامل از مردانگی به‌منزله اصل اطاعت مدنی متمایز می‌کند. هورکهایمر نیز درون‌مایه انگلسی نابودی حق مادر را به‌منزله شکست تاریخی و جهانی جنسیت زنانه به آن می‌افزاید و بر همین مبنا می‌گوید که حضور مادرانه در خانواده اغلب باعث حفظ روابط به‌واقع انسانی می‌شود؛ زیرا خانواده در عصر حاضر هنوز روابطی انسانی را می‌پروراند که زن تعیین‌گر آن است. سرچشمه قدرت مقاومت، عنصری ضداقتدارگرایی در برابر انسانیت زدایی تمام‌عیار از جهان است (میلر، ۱۳۸۲: ۵۳). موقعیت وابسته زن در خانواده و در کل جامعه تأکیدی است در این نکته که نقش انسانی‌کننده زن هرگز به‌منزله اصل سازمان‌دهنده خانواده یا کل جامعه نیست. در واقع، نقش زنان در خانواده اقتدار مرد را تقویت می‌کند؛ زیرا مرد به‌سهم خود پشتوانه‌ای برای اقتدارمنشانه است. از آنجایی که علاقه مرد به وضع موجود باعث سازگاری با روابط اقتدارمنشانه موجود می‌شود، اصرار صریح یا ضمنی زن هم به همان اندازه مهم است (میلر، ۱۳۸۲: ۵۴).

از نظر کلمن^۱ (1990) سرمایه اجتماعی به‌منزله کیفیت

امیدوارند بچه‌ها به وجود آورند. انواعی از شادی که هیچ‌ا بزه مصرف دیگری هر قدر جدید و شیک قادر به ایجاد آن نیست. این عقل، مایه ناراحتی تجار و بازرگانان است که بازار کار آن جایگزین‌کننده شایسته است (باومن، ۱۳۸۴: ۷۸). شادی‌های پدر و مادر بودن به تعبیری در معامله‌ای کلی با کمی از خودگذشتگی و ترس از خطرهای ناشناخته همراه است (باومن، ۱۳۸۴: ۸۰). باومن در کتاب عشق سیال به‌خوبی روابط انسان مدرن را نشان داده است. انسانی محتاج و جویای ارتباط و درعین حال، ترسان از مرتبط‌بودن با دیگری (علیرضائزاد، ۱۳۹۶: ۸۷).

روابط ناب و صمیمیت آتونی گیدنز

گیدنز اثر دگرگونی ساختار روابط صمیمانه بر تغییر شکل خودفرامردن را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که تغییر ساختار روابط صمیمانه برای تغییر شکل خود در فرامردن بسیار اهمیت دارد. گیدنز علاقه‌ای به بررسی روابط صمیمانه نشان می‌دهد که کمتر در میان جامعه‌شناسان دیده شده است. روابط شخصی و صمیمی میان افراد در دوران ماقبل مدرن و حتی در عصر مدرن در قالب خانواده اثر تثبیت‌کننده بر جامعه داشت؛ اما در اواخر قرن بیستم ما شاهد دگرگونی اساسی در روابط صمیمانه میان افراد هستیم؛ به‌طوری که شکل اصلی روابط صمیمی تغییر پیدا کرده است زندگی مشترک نه فقط شکل فرهنگی روابط ناب را پیدا کرده است، بیشتر و در سطحی گسترده از چارچوب‌های روابط غیرصمیمی مانند تولیدمثل، پایگاه اجتماعی، تأمین اقتصادی، روابط جنسی ثابت و پایدار جدا می‌شود (کسلر، ۱۳۹۴: ۲۹۷). رابطه‌های اعتماد برحسب پیوندهای اجتماعی ناشی از آنها شناسایی می‌شود. منظور از پیوندهای عاطفی با دیگر اشخاص و پیش از همه پیوندهایی است که کودک با مراقبان خود برقرار می‌کند. پیوندهای عاطفی با نخستین مراقبان ارتعاش‌هایی از خود برجای می‌گذارد که بعدها تمام ارتباط‌های اجتماعی صمیمانه‌ای را تحت‌تأثیر قرار

¹ Horkheimer

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی است که در سال ۱۳۹۹ در شهر یزد به روش تحلیل مضمون انجام شد. نمونه مطالعه‌شده، زنان متأهل ۲۲ تا ۵۵ ساله شهر یزد است که حداقل یک فرزند و برخی از یک فرزند تا سه فرزند داشتند. همچنین، از زنان خانه‌دار تا زنان شاغل را نیز شامل می‌شد. نمونه‌گیری از نوع هدفمند با بیشترین تنوع انجام گرفت. هدفمند بدین معنا که زنان موقعیت لازم پژوهش، یعنی متأهل، صاحب فرزند و شرط سنی لازم را داشته باشند (یعنی همه فرزندان‌شان هنوز مستقل نشده و در منزل حضور داشته باشند). همچنین، شرط بیشترین تنوع رعایت شد؛ یعنی کسانی انتخاب شوند که از لحاظ تعداد فرزند و موقعیت اقتصادی و اجتماعی متفاوت باشند.

برای دسترسی به میدان مطالعه‌شده هماهنگی‌های لازم با کسانی صورت گرفت که مایل به مصاحبه بودند و در مرحله بعد مصاحبه در مکانی صورت می‌گرفت که مصاحبه‌شوندگان انتخاب می‌کردند و راحت بودند. برخی از مصاحبه‌ها در منزل آنان انجام گرفت و برخی در بیرون منزل ضبط شد. مصاحبه عمیق با ۲۰ نفر از زنان انجام گرفت و به اشباع رسید. به این معنا که مصاحبه با نمونه‌های جدید، باعث شد که اطلاعات اضافی دیگری به تحقیق افزوده نشود. سؤال‌هایی که پرسیده شد به این شرح بود که شما چگونه به‌عنوان یک مادر و زن در محیط خانه شادی را ایجاد می‌کنید؟ برای ایجاد شادکامی در اعضای خانواده چه کارهایی را انجام می‌دهید؟ شما به‌عنوان یک زن و مادر موقعیت اقتصادی را چگونه مدیریت می‌کنید که بر شادی خانواده مؤثر باشد؟ نقش همسر بودن خود را چگونه انجام می‌دهید که موجب شادی خانواده شود؟ نقش مادری خود را چگونه انجام می‌دهید که باعث شادمانی خانواده شود؟ البته درحین مصاحبه خرده سؤال‌هایی نیز پرسیده شد تا بیشتر درباره موضوع ایجاد شادکامی صحبت کنند و زوایای مختلف آن روشن شود. مدت‌زمان مصاحبه‌ها

خوب روابط اجتماعی است. روابط افراد با دیگران شامل همکاری، همدلی، مشارکت و حمایت است و اینکه افراد چقدر می‌توانند به یکدیگر امیدوار که در مواقع لازم کمک هم باشند. درباره چگونگی و سازوکار اثرگذاری روابط اجتماعی بر نشاط و یا سلامت روان افراد، دو دیدگاه یا الگو وجود دارد. الگوی اثر مستقیم نشان می‌دهد که داشتن روابط اجتماعی مثبت و مشارکت‌داشتن در امور و مسائل اطراف، برای شادی و سلامتی افراد مفید است؛ زیرا عزت‌نفس افراد را افزایش و به آنها احساس تعلق داشتن می‌دهد و در نتیجه، احساس و عاطفه مثبت ایجاد می‌کند و صرف‌نظر از میزان استرس‌های زندگی، افراد را در مقابل سختی‌ها مقاوم می‌کند که در نهایت، موجب تشویق افراد به برگزیدن تجربه‌های مثبت‌تر و شیوه‌های زندگی سالم‌تر می‌شود. الگوی اثر غیرمستقیم یا فرضیه ضربه‌گیر نشان می‌دهد که روابط اجتماعی به‌خصوص هنگامی که فشار زیاد است، بر سلامت و شادی اثر می‌گذارد. به این صورت که روابط اجتماعی افراد را در مقابل تجربه‌ها و عاطفه‌های منفی حفظ و از اثرگذاری زیاد استرس‌ها جلوگیری می‌کند (سمعی‌اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۳). سرانجام، خانواده یکی از این محیط‌هایی است که افراد می‌توانند از ناملایم‌های بیرونی به آن پناه ببرند و حال خود را خوب کنند.

درواقع، همه نظریه‌های مطرح‌شده، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم به نقش مهم و پراهمیت مادری در تربیت فرزند، مراقبت و ابراز عشق مادر و فرزند توجه کرده‌اند که به‌عنوان یکی از مقدس‌ترین عشق‌ها به آن نگاه می‌شود؛ زیرا امروزه مادران، نیز این احساس والد-فرزند را احساس نابی توصیف می‌کنند و همه تلاش خویش را به کار می‌گیرند تا با مراقبت‌های مادرانه خویش، شادمانی را به فرزندان و همسر خویش هدیه کنند.

¹Coleman

تبدیل می‌کند و درنهایت، تمام مفاهیم مربوط به هر مضمون استخراج می‌شود تا محقق اطمینان کند که تمام داده‌های مربوط ابتدا با کدهای جداگانه (مفاهیم) و سپس با مضامین مرتبط است. گام بعدی پس از شناسایی مضامین، تعریف نام‌گذاری مضامین است (مضامین فرعی و اصلی)؛ یعنی از دل مضامین فرعی، مضامین اصلی استخراج می‌شود. مضامین باید با مفهوم کلی که ثبت شده است، پالایش و درنهایت، تعریف‌های مربوط به هر مضمون تولید شود. هنگامی که هر مضمون به‌وضوح تعریف و توصیف شد، لازم است که با اشاره به متن، روشن شود. این شامل استفاده از نقل‌قول‌هایی است که مصاحبه‌شوندگان اصل موضوع را به دست می‌آورند. از آنجا که روایتی از معنای تجربه بررسی شده (موضوع) در ارائه یافته‌ها ساخته می‌شود، استفاده از نقل‌قول‌های متعدد هم برای نشان دادن وجه منفرد یا جنبه‌های موضوع استفاده می‌شود. در واقع، در پژوهش بعد از تعریف مضامین اصلی طبق داده‌ها، برای افزایش اعتبار پژوهش از چندین گزاره خود مشارکت‌کنندگان نیز استفاده شد تا غنای کار افزایش یابد.

ارائه هر موضوع به فرآیند نوشتن و نوشتن مجدد نیاز دارد. با این فرایند است که مضامین به یک سطح عمیق بسط داده می‌شود. تا روابط بین مضامین و روایت‌ها بررسی و ترسیم شود. در واقع، مضامین و روایت‌ها از سطح توصیف به سمت تفسیر سوق داده می‌شوند. به‌طور بالقوه، هر مجموعه داده‌ای چندین تفسیر دارد که با ارائه مدرک‌های کافی از داده‌ها برای تأیید تفسیر آنها آورده می‌شود. در واقع، بعد از توصیف مضامین مرحله تفسیر و توضیح انجام و با گزاره‌های مشارکت‌کنندگان غنی‌تر می‌شود. فاز نهایی به‌عنوان فرآیند سنتز است که شامل بررسی ارتباط مضامین با یکدیگر با زمینه فرهنگی-اجتماعی که در آن پدیدآمده و به‌طور کامل توضیح داده شده است. درنهایت، نیز الگوی تحلیل مضمون ترسیم می‌شود.

نیز بین پنجاه دقیقه تا یک ساعت و ده دقیقه بود. در مرحله بعد مصاحبه‌ها ضبط و بر روی کاغذ نوشته شد. این مرحله از پژوهش با آگاهی از اصل رازداری و گمنامی مشارکت‌کنندگان انجام شد و در مرحله آخر روش تحلیل مضمون کدگذاری و تحلیل انجام گرفت.

در روش کیفی از تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون بیشتر به سمت رویکردهای استقرایی برای کشف معانی نهفته است (Crowe et al., 2015: 619). تحلیل مضمون (TA) روشی است که محقق را قادر می‌کند، معانی موجود در داده‌ها را به دست آورد و یک استراتژی برای سازمان‌دهی و تفسیر داده‌های کیفی برای ایجاد درک روایی ارائه دهد تا اشتراک‌ها و تفاوت‌های شرکت‌کنندگان درباره تجربه‌های ذهنی را باهم جمع کند. این روایت از شناسایی دسته‌ها و مضامین درون داده‌ها تهیه شده است. تجزیه و تحلیل، موضوعی تفسیری از معانی شرکت‌کنندگان است (Crowe et al., 2015: 617).

مراحل روش تحلیل مضمون به شرح ذیل است:

۱- آشنایی با داده‌ها؛ ۲- تولید کدهای اولیه؛ ۳- جست‌وجوی مضامین؛ ۴- مرور مضامین؛ ۵- تعریف و نام‌گذاری مضامین؛ ۶- تهیه گزارش (Nowell et al., 2017: 4). سپس محقق با مطالعه دقیق داده‌ها و عمیق‌شدن در آنها مضامین را استخراج می‌کند و درنهایت چند مضمون نهایی شکل می‌گیرد.

اولین قدم در تحلیل مضمون آشنایی نزدیک به داده‌ها با خواندن و بازخوانی متن مصاحبه است. به این معنا که ابتدا بعد از مصاحبه با زنان متأهل و اجراکردن متن مصاحبه‌ها، چندین بار متن مصاحبه‌ها از سوی محقق خوانده شد تا با داده‌ها آشنا شوند. پس از خواندن دقیق متن، کدهای اولیه تولید شد که این کدها، کدهایی است که همان ابتدا به ذهن محقق وارد شده و در مرحله جرح و تعدیل شده است. مرحله سوم جست‌وجوی مضامین است؛ یعنی محقق پس از تولید کدها و از درون مفاهیم ابتدایی آنها را به ایده‌های مرتبط

اعتبار و پایایی پژوهش

در بحث ارزیابی تحقیقات کیفی، به بحث اعتبار بیشتر از پایایی توجه می‌شود و در واقع، یکی از مباحث‌های ارزیابی اعتبار تحقیقات کیفی این است که چگونه روابط مطالعه‌شده در پژوهش به روایت محقق از آنها پیوند داده می‌شود؟ به عبارت دیگر، این روابط به چه شکل است؟ اگر موضوع تحقیق تجربی قرار نمی‌گرفتند و آبا روایت محقق مبتنی بر روایت‌های موجود، در زندگی مصاحبه‌شوندگان و در نتیجه مبتنی بر موضع تحقیق است یا خیر (فلیک، ۱۳۹۰).

در پژوهش حاضر برای ارزیابی اعتبار پژوهش، از روش بازخورد مشارکت‌کننده^۱ استفاده شد. به این معنا که بعد از گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، کدگذاری‌ها در اختیار تعدادی از مشارکت‌کنندگان پژوهش قرار گرفت تا درباره صحت اطلاعات مدنظر، اظهار نظر و آنها را تأیید کنند. همچنین، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های مختلف همه‌جانبه‌نگری (مثلث‌بندی) مانند مشاهده، مصاحبه و مرور منابع مختلف استفاده می‌شود.

در بحث پایایی نیز از روش توافق میان کدگذاران استفاده شده که در آن برای تحلیل داده‌های دستنویسی شده از چندین کدگذار استفاده شده است (کرسول، ۱۳۹۶: ۲۵۷). در آخر، برای بررسی پایایی داده‌ها به افراد دیگری (استادان) که به روش کیفی تسلط دارند، داده‌های کدگذاری شده در اختیارشان قرار گرفت تا آنها را دوباره کدگذاری کنند. سرانجام، پایایی داده‌ها با کدگذاری محقق تطبیق داده شد تا در مواردی که ناهماهنگی وجود دارد، اصلاح و رفع صورت گیرد. همچنین، از ابتدا تا انتهای پژوهش همواره فرایند رفت‌وبرگشتی بین داده‌های خام و کدگذاری‌ها صورت گرفت تا اگر به زوایایی توجه نشده است، اصلاح شود.

ملاحظه‌های اخلاقی

در تمام مراحل پژوهش محقق سعی کرده است که اصل رازداری و امانت‌داری را حفظ کند. به این صورت با افرادی که مایل به مصاحبه هستند، درباره موضوع و هدف‌های پژوهش صحبت و به آنان اطمینان داده شد که از مصاحبه‌ها فقط در راستای هدف‌های پژوهش استفاده می‌شود. از بین آنان کسانی که مایل به مصاحبه بودند، انتخاب شدند و با رعایت اصل رازداری، داده‌ها جمع‌آوری و با رعایت اصل گمنامی، داده‌ها تجزیه و تحلیل شد. در روند پژوهش نیز از اسامی مستعار استفاده شده است.

¹ member checking

جدول ۱- سیمای مشارکت‌کنندگان در پژوهش

Table 1- The appearance of the participants in the research

مشارکت‌کنندگان در پژوهش	سن	تحصیلات	تحصیلات همسر	درآمد	درآمد همسر	شغل	شغل همسر	تعداد فرزندان
اول	۳۸	سیکل	دیپلم	۳ م	۵ م	کارگاه قالی‌بافی	آزاد	۲
دوم	۳۵	دکتری	فوق‌لیسانس	۵ م	۱۰ م	کارشناس و مدرس دانشگاه	آتش‌نشان	۲
سوم	۴۸	سیکل	سیکل	۳ م	۸ م	خیاطی و قالی‌بافی	آزاد	۳
چهارم	۴۱	دیپلم	ابتدایی	۳ م	۱۰ م	فروشنده	آزاد	۳
پنجم	۳۷	سیکل	لیسانس	۳ م	۹ م	خیاطی	کارمند	۳
ششم	۳۸	فوق‌لیسانس	دیپلم	۶ م	۸ م	کارمند	آزاد	۲
هفتم	۳۹	دیپلم	سیکل	-	۸ م	خانه‌دار	آزاد	۲
هشتم	۴۹	لیسانس	دکتر	-	۳۰ م	خانه‌دار	استاد دانشگاه	۳
نهم	۲۹	دانشجوی دکتری	فوق‌لیسانس	۵ م	۱۲ م	مدرس دانشگاه	مهندس	۱
دهم	۴۷	فوق‌دیپلم	فوق‌لیسانس	۵ م	۴۰ م	خیاطی	مدیر شرکت	۲
یازدهم	۳۸	دیپلم	دیپلم	-	۵۰ م	خانه‌دار	آزاد (بازاری)	۲
دوازدهم	۵۵	ابتدایی	لیسانس	-	۸ م	خانه‌دار	کارمند	۳
سیزدهم	۵۰	سیکل	دیپلم	۵ م	۸ م	مغازه‌دار	کارمند	۳
چهاردهم	۲۸	فوق‌لیسانس	فوق‌لیسانس	-	۱۰ م	خانه‌دار	مهندس مدیر شرکت	۱
پانزدهم	۲۹	لیسانس	دیپلم	-	۷ م	خانه‌دار	آزاد	۱
شانزدهم	۳۰	فوق‌لیسانس	لیسانس	-	۱۰ م	خانه‌دار	مهندس	۱
هفدهم	۳۸	دیپلم	فوق‌دیپلم	-	۱۰ م	خانه‌دار	آزاد	۳
هجدهم	۴۲	سیکل	سیکل	۵ م	۵ م	آزاد	آزاد	۱
نوزدهم	۲۲	دانشجو	لیسانس	-	۹ م	دانشجو	معلم	۱
بیستم	۲۴	لیسانس	فوق‌لیسانس	۴ م	۱۰ م	معلم	کارمند	۱

یافته‌های پژوهش

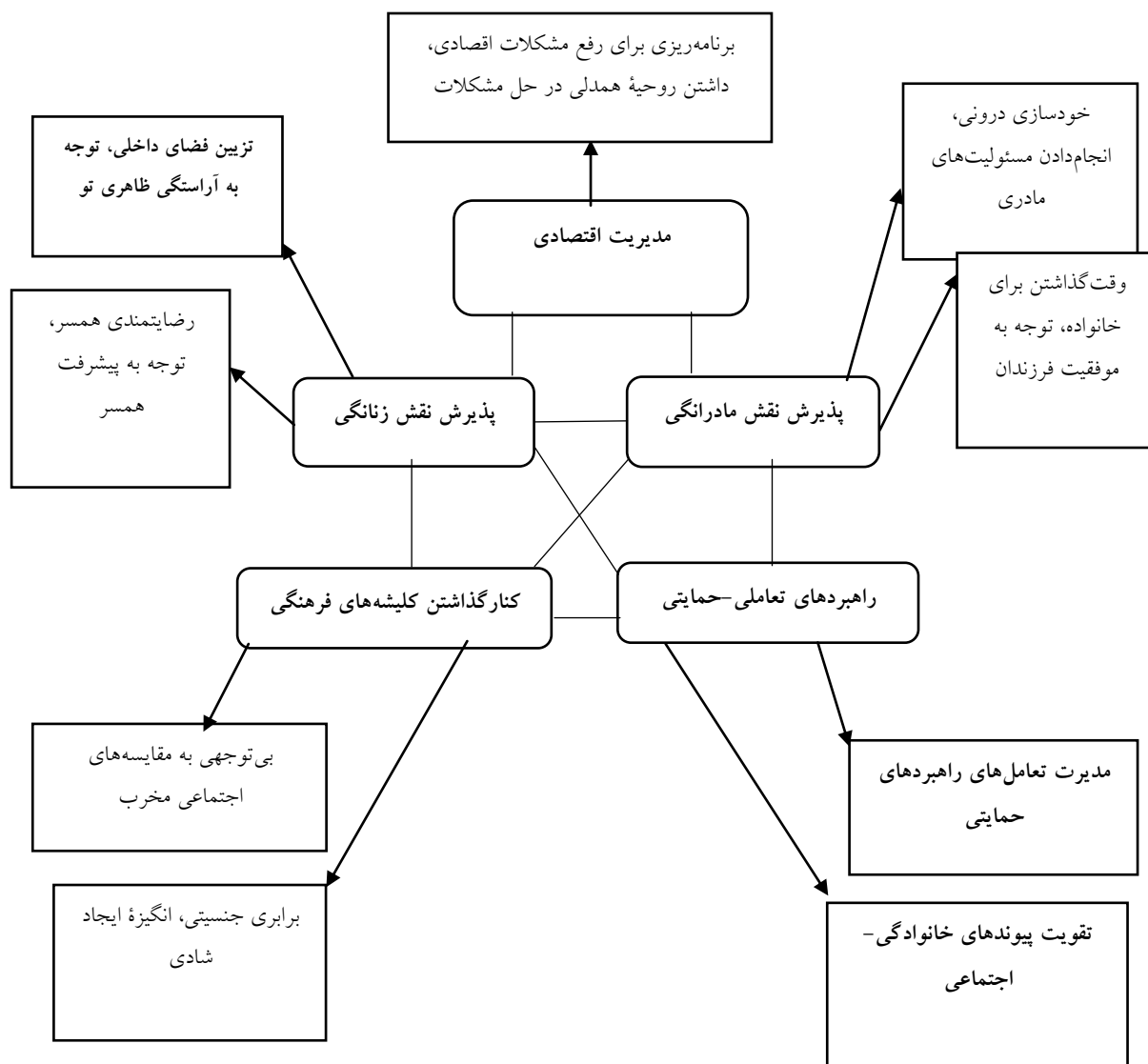
باتوجه به یافته‌های پژوهش، پنج مضمون نهایی باعنوان، کنار گذاشتن کلیشه‌های فرهنگی، پذیرش نقش مادرانگی، مدیریت اقتصادی، راهبردهای تعاملی-حمایتی و پذیرش نقش زنانگی مطرح شد. به این صورت که زنان مصاحبه‌شونده سعی می‌کردند به موقعیت فرهنگی جامعه مانند

چشم‌وهمچشمی‌ها بی‌توجه باشند تا محیط خانواده، شاد بماند. همچنین، تلاش می‌کردند که نقش زنانگی و مادرانگی خود را به‌نحو احسن ایفا کنند تا اثرهای منفی بر شادکامی اعضای خانواده نداشته باشند و با به‌کارگیری راهبردهای تعاملی-حمایتی مشکلات خانواده را حل و فصل کنند.

جدول ۲- مقوله‌های واکاوی نقش زنان در شادکامی خانواده

Table 2-Themes for analyzing the role of women in family happiness

مفاهیم	مضامین اصلی	مضامین فرعی
بی‌توجهی به چشم‌وهم‌چشمی‌ها، عدم اجازه به دخالت اطرافیان در زندگی، مقایسه نکردن زندگی خود با دیگران	کنار گذاشتن کلیشه‌های فرهنگی	برابری جنسیتی انگیزه ایجاد شادی
توانمندسازی خویش، غلبه بر انرژی‌های منفی، خودکارآمدی و خود‌مدیریتی تمام‌وقت در اختیار خانواده بودن، مرتب و منظم بودن منزل، انجام بازی‌های خانوادگی، بازی و ورزش کردن با فرزندان، آزاد گذاشتن فرزندان برای انجام فعالیت‌ها، خواندن کتاب موردعلاقه فرزندان، گوش دادن به موسیقی در خانه، مرور خاطرات گذشته، دیدن فیلم با اعضای خانواده، خرید کردن با اعضای خانواده، وعده‌های غذایی خانوادگی	پذیرش نقش مادرانگی	خودسازی درونی انجام مسئولیت‌های مادری
تشویق فرزندان برای موفقیت، افزایش اعتمادبه‌نفس اعضای خانواده، رشد خلاقیت و شخصیت فرزندان، افزایش بهره‌وری تحصیلی فرزندان، کمک به فرزندان برای اهدافشان	وقت گذاشتن برای خانواده	توجه به موفقیت فرزندان
پایین آوردن انتظارات مادی خویش از همسر، ایجاد تعادل در دخل و خرج زندگی، رفع مشکلات مالی با کمک همدیگر، کمک‌خرج همسر بودن، تلاش برای افزایش سطح رفاه خانواده، ایجاد قدرت خرید برای فرزندان	مدیریت اقتصادی	برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات اقتصادی داشتن روحیه همدلی در حل مشکلات
مشورت کردن (همفکری) برای حل مشکلات زندگی، کش‌ندادن بحث‌های خانوادگی، آرام کردن همسر، ایجاد محیط آرام و به‌دوراز تنش، درک کردن همسر، کنترل عوامل مزاحم و استرس‌زا (نامالایمات بیرونی)، مدیریت افکار منفی و ناراحت‌کننده، مدیریت تنش‌های زندگی	مدیریت تعاملات	داشتن تعامل مناسب با همسر، ایجاد روحیه امید و شادی در خانواده
شخصیت بخشیدن به همسر، تحسین و قدردانی متقابل از همدیگر، توجه به خواسته‌های اعضای خانواده، حمایت‌های منطقی و سازنده از خانواده، پشتیبان خانواده در تمام امور	راهبردهای تعاملی و حمایتی	راهبردهای حمایتی
حمایت عاطفی، تقویت فضای معنوی خانواده، ایجاد روحیه و انگیزه نشاط، مدیریت عواطف ابراز محبت به اعضای خانواده، صحبت کردن در مورد مسائل مختلف، داشتن روحیه شوخ‌طبعی، ایجاد فضای گفتمانی صمیمی در محیط خانواده	تقویت پیوندهای خانوادگی-اجتماعی	تقویت پیوندهای خانوادگی-اجتماعی
رفتن با اعضای خانواده به مسافرت‌های سالانه، برپایی جشن‌ها و دورهمی‌های ساده، ارتباط داشتن با خانواده همسر، ارتباط داشتن با اقوام، تعامل با دوستان خانوادگی	تزیین آراستگی فضای داخلی	تزیین آراستگی فضای داخلی
تغییر دکوراسیون منزل، ایجاد محیط روشن و نورگیر، ایجاد فضای روحیه‌بخش با گل و گیاه، تزیین فضای داخلی خانه بارنگ‌های شاد، داشتن گلدان گل و گیاه	توجه به آراستگی ظاهری	توجه به آراستگی ظاهری
آرایش کردن، لباس زیبا پوشیدن در منزل، مرتب و منظم بودن	رضایت‌مندی همسر	رضایت‌مندی همسر
داشتن روحیه شاد و سرحال در منزل، پختن غذای موردعلاقه اعضای خانواده، وقت گذاشتن برای همسر، گوش سپردن به صحبت‌های همسر، احترام به خواسته‌های وی، جلب رضایت همسر، داشتن روحیه گذشت و فداکاری، همراهی همسر در شرایط سخت	توجه به پیشرفت همسر	توجه به پیشرفت همسر



نمودار ۱- نقش زنان در شادکامی خانواده

Fig 1- The role of women in family happiness

پذیرش نقش مادرانگی

زنان به‌عنوان مادر و همسر، نقش اساسی را در هر خانواده دارند و یکی از ارکان مهم آن هستند. آنان می‌توانند با کنش‌های خویش موجبات پیشرفت و شادی خانواده را فراهم کنند. همچنین، پیشرفت جامعه و پویایی آن نیز در گرو پیشرفت خانواده است و این پیشرفت با کمک و همراهی والدین اتفاق می‌افتد. به این معنا که مادران شاد، فرزندان شاد و موفق را نیز تحویل جامعه می‌دهند. در پژوهش حاضر نیز زنان بیان داشتند که تمام تلاش خویش را به کار می‌گیرند تا

محیط خانواده برای اعضای آن محیط آرامش و آسایش باشد. به‌گونه‌ای که آنان حتی خوشی و شادی خانواده را مساوی با شادی خویش تلقی کنند. از نظر آنان هر زمانی که اعضای خانواده شادکام باشند، آنان نیز شاد خواهند بود و برعکس زمانی که مشکلاتی در خانواده برای هر یک از اعضا به وجود بیاید، آنها نیز پریشان می‌شوند. این زنان همه تلاش خویش را به کار می‌برند تا محیط خانواده شاد باشد. به این معنا که همراه و همراز همسر و اعضای خانواده هستند و برای رسیدن به موفقیت آنها موقعیت را هموار می‌کنند. از جو محیط

خانه‌گرفته تا توجه به خواسته‌های همسر و فرزندان و خودشان در اولویت بعدی هستند. آنان سعی می‌کنند نقش مادرانگی خویش را به نحو احسن انجام دهند و مسئولیت‌های آن را بپذیرند و در همه احوال سعی می‌کنند شادکامی اعضای خانواده را تا جایی که می‌توانند فراهم کنند؛ البته در این راه خود همسر و فرزندان نیز به‌طور متقابل به وی کمک می‌کنند و تعامل دوسویه‌ای برقرار است؛ اما نقش مادر به این دلیل مهم‌تر است که بیشتر در منزل و در کنار خانواده است.

«من خودم به‌شخصه خانوادم برام خیلی مهمن تا جایی که همه چیز رو برای اونا می‌خوام. حتی وقتی که کاری برای اونا انجام میدم و خودم خسته میشم، باز اگه همسر و فرزندم خوشحال بشن، منم شاد میشم و اگه ناراحت باشن، منم ناراحتم. شاید باورتون نشه؛ اما شادی خانوادم، یعنی شادی من. انگار اونا جزئی از من شدن. من شادی برای خودم بدون خانواده معنی‌نداره» (سارا ۲۴، با یک فرزند).

زنان در خانواده علاوه بر پذیرش نقش همسر، باید بعد از فرزندآوری، نقش مادری را نیز بپذیرند و مسئولیت‌های متناسب با آن را نیز عهده‌دار شوند. مهم‌ترین مسئله باتوجه به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان این است که زنان قبل از هر چیزی باید خود را توانمند کنند و بتوانند روحیه محکم و قوی داشته باشند و بر انرژی‌های منفی محیط اطراف خویش غلبه کنند. در واقع، مثبت‌اندیش باشند. این مثبت‌اندیشی باعث خودکارآمدی می‌شود و در نتیجه، زنان دیگر خودشان از پس مشکلات زندگی برمی‌آیند. پس خودسازی درونی زمینه‌ساز شادکامی بیرونی می‌شود و زنان با روحیه بهتری مسئولیت‌های مادری را انجام می‌دهند.

«من به‌عنوان یه زن همیشه باید قوی باشم و سعی کنم که مثبت‌اندیش باشم و به مسائل خوب فکر کنم تا بتونم برای خونوادم هم شادی به وجود بیارم؛ چون اگه من غمگین باشم و افسرده، باعث میشه که روحیه اعضای خانواد هم بهم بریزه» (سعیده ۴۷، با دو فرزند).

آنان برای حفظ روحیه نشاط و شادی اعضای خانواده (همسر و فرزندان) سعی می‌کنند تا جایی که می‌توانند

تمام وقت در اختیار خانواده خود باشند و همچنین سعی می‌کنند، همواره محیط خانه را مرتب و منظم نگه دارند تا موجب آرامش اعضای خانواده شود. آنها به دو مسئله مهم توجه می‌کنند: ۱- آزاد گذاشتن اعضای خانواده برای انجام دادن فعالیت‌هایشان (مانند بچه‌ها تکالیفشان را انجام دهند تا با خیال راحت به پیشرفت خود توجه کنند)؛ ۲- باهم بودن اعضای خانواده. برای رسیدن به این همدلی آنان سعی می‌کنند با انجام دادن فعالیت‌هایی مانند انجام دادن بازی‌های خانوادگی، ورزش کردن با اعضای خانواده، کتاب خواندن برای فرزندان، گوش دادن به موسیقی و خرید کردن با اعضا شادی را در خانه به وجود آورند. مادران به فرزندان خود به‌عنوان سرمایه‌های زندگی خویش توجه می‌کنند و از هیچ تلاشی برای شادی و موفقیت آنان فروگذار نمی‌کنند؛ مانند تشویق فرزندان خود در راه موفقیت، افزایش اعتمادبه‌نفس آنان، کمک به رشد خلاقیت و شخصیت فرزندان تا بهره‌وری تحصیلی آنان افزایش یابد و به هدف‌های زندگی خود برسند. آنان سعی می‌کنند، محیط منزل آرام‌بخش باشد تا موجبات شادکامی آنان فراهم شود.

مسئله بعدی، اینکه مادر خانواده سعی می‌کند که در وعده‌های غذایی تمام اعضا حضور داشته باشد و همچنین برخی روزهای تعطیل مانند جمعه دسته‌جمعی فیلم تماشا کنند و یا خاطره‌ها و مسائل گذشته را مرور کنند. با این کارها نشان می‌دهد که نقش مادرانگی خویش را پذیرفته است و برای ایجاد شادی خانواده در حد توان خویش، تلاش می‌کند.

«من به‌عنوان یک زن و مادر سعی می‌کنم که همه‌وقتم رو با اعضای خونوادم بگذرونم و برای همه شون وقت بزارم؛ مثلاً باهم یه بار در هفته بیرون میریم، مهمونی میریم، واسه بچه‌هام کتاب می‌خونم، باهاشون بازی می‌کنم، تو تکالیفشون بهشون کمک می‌کنم تا اونا شاد و خوشحال باشن» (الهه ۴۱، با سه فرزند).

«بچه‌هام خیلی برام مهمن. موفقیت اون‌ها موفقیت من هستش. خیلی خوشحال میشم که پیشرفت کنن و سعی می‌کنم که بهشون کمک کنم تا ناراحت نباشن. خب اونام متقابلاً خوشحال میشن» (فاطمه ۳۵، با دو فرزند).

پذیرش نقش زنانگی

زنان مصاحبه‌شونده برای خود دو نقش را قائل بودند: نقش همسر خانواده و نقش مادری. آنان سعی می‌کردند که نقش زنانگی خویش را به‌نحو احسن انجام دهند تا خللی در تعامل‌های آنان با همسرانشان به وجود نیاید. این نقش آنان به چند خرده نقش تقسیم می‌شد: مسئله اول خود محیط منزل است که سعی می‌کنند، آراستگی فضای داخلی منزل حفظ کنند. آنان با تغییر دوره‌ای دکوراسیون منزل، تزئین فضای داخلی خانه با استفاده از رنگ‌های شاد در (قالی، پرده و ...)، ایجاد یک فضای روحیه‌بخش با تزئین گل و گیاهان و ایجاد یک محیط روشن و نورگیر سعی در زیبا و دلنشین کردن فضای خانه برای اعضای خانواده دارند تا محیط آرامش‌بخشی برای آنان فراهم کنند.

همچنین، به جزء محیط خانه آنان سعی می‌کنند، به‌ظاهر خویش نیز توجه کنند و همیشه در نظر همسر خویش زیبا و مرتب باشند. با آرایش کردن، لباس زیبا پوشیدن، شادی را در تعامل‌های خود و همسر خویش به وجود می‌آورند.

زنان به‌جز توجه به‌ظاهر خویش، همیشه سعی می‌کنند که برای همسر خویش وقتی را اختصاص دهند که درباره مسائل خود و فرزندانشان باهم دیگر صحبت کنند و همواره روحیه شاد و سرحالی در محیط خانه داشته باشند تا فرزندان خانواده متوجه مشکلات نشوند. آنان کارهایی مانند آشپزی را با اشتیاق انجام می‌دهند و غذای دوست‌داشتنی اعضای خانواده را می‌پزند تا در کنار هم روز خوبی را سپری کنند و همواره شادی و نشاط در خانواده حکم‌فرما باشد.

«به‌نظرم من قبل از هر چیزی به زنم. سعی می‌کنم که زن خوبی برای همسر باشم؛ چون به‌نظرم زن خوب‌بودن، یعنی اینکه هم به‌خونه برسم، هم به شوهر و بچه‌هام و در آخر به خودم؛ یعنی من چند وقت یکبار دکوراسیون خونه رو عوض می‌کنم، وسایل رنگ شاد می‌خرم، از گل و گیاه استفاده می‌کنم تا روحیمون خوب باشه. تو خونه به خودم می‌رسم، لباس مرتب می‌پوشم، آرایش می‌کنم تا پیش همسرم جذاب باشم. برای بچه‌هام سعی می‌کنم که غذای موردعلاقه شون رو بپزم. دیگه بیشتر موقع‌ها خودم رو شاد

و سرحال نگه می‌دارم تا اون‌ها هم خوشحال بشن» (نازنین ۳۷، با دو فرزند).

آنان برای جلب رضایت‌مندی همسر خود، سعی می‌کنند که علاوه‌بر توجه به محیط خانه و ظاهر خویش، همواره به خواسته‌های همسر خود احترام بگذارند و همچنین سعی می‌کنند که احترام بین آنان حفظ شود تا روحیه گذشت و فداکاری را در مراحل مختلف زندگی حفظ کنند؛ برای مثال، آنان به موفقیت همسر خود در محیط کار توجه و سعی می‌کنند، مسیر پیشرفت وی را هموار کنند. همچنین، سعی می‌کنند از خطاهای همدیگر بگذرند تا شادکامی خانواده آنان از بین نرود و همواره در اوضاع سخت زندگی پشتیبان همدیگر باشند.

«من تو زندگی سختی زیاد کشیدم. باهمسر از صفر شروع کردیم. همه چیز رو و خدا رو شکر الان از زندگی ام راضی هستم. خیلی برای همسر فداکاری کردم و همیشه به‌هم احترام گذاشتیم و می‌داریم؛ حتی برای موفقیت‌اش هم کمکش کردم تا ادامه تحصیل بده، شغل خوبی پیدا کنه و ارتقا بگیره؛ حتی از خطاهای همدیگه هم گذشتیم. خدا رو شکر هم من زن خوبی بودم و هم همسر مرد خوبی هست. از زندگی ام راضی ام و شادیم» (شیدا ۴۸ ساله، با سه فرزند).

کنارگذاشتن کلیشه‌های فرهنگی

یکی از مسائل بااهمیت برای زنان در شهر یزد، محیط سنتی محل زندگی آنان است که علاوه‌بر اثرهای مثبت آن مانند همبستگی و کنارهم‌بودن، اثرهای سوئی بر تعامل‌های افراد و محیط خانواده دارد. زنان بیان داشتند که فرهنگ شهر یزد خواه‌ناخواه چشم‌وهمچشمی و مقایسه‌های اجتماعی را رواج می‌دهد و مردم بیشتر از آنکه به فکر زندگی خویش و تلاش برای پویایی زندگی خود باشند، به‌دنبال مقایسه زندگی خود با دیگران هستند و سعی می‌کنند که به هر نوعی از دیگران سبقت بگیرند که این مسئله بیشتر در حیطه ترجیح‌های مالی و اقتصادی است. این مسئله زنان مصاحبه‌شونده را بر آن داشته که برای حفظ تعامل‌های مثبت خویش با اعضای خانواده و

شادکامی خانواده به کار گیرند.

«من و همسر من برای ایجاد آرامش در محیط خانواده، سعی کردیم که باهم به توافق برسیم که به استقلال من توجه بشه و این تقسیم کار هم در محیط خانواده درست صورت بگیره و همسر من در کارها به من کمک کنه. اونم خدایی این کارها رو انجام میده. منم چون اون بهم احترام میذاره، کلی اعتماد به نفسم زیاد شده و سعی می‌کنم همه احساساتم رو خرج خانواده کنم» (سمیه ۲۲، با یک فرزند).

زنان به عنوان همسر یا مادر سعی می‌کنند که محیط خانواده را همواره سالم و به دور از تنش نگه‌دارند تا ناراحتی در محیط خانواده و در تعامل بین اعضا ایجاد نشود و متعاقب با آن سطح شادی نیز کاهش نیابد. برای رفع مشکلات تعاملی در بین اعضا، همسر خانواده، سعی می‌کند که بحث‌های خانوادگی را خیلی ادامه ندهد و اگر همسر وی از مسئله‌ای ناراحت است، او را آرام کند. در واقع، با همسر خویش برای رفع مشکلات صحبت و مشورت کند. همچنین، مادر خانواده، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا افکار منفی و ناراحت‌کننده بیرونی را کاهش دهد که وارد محیط خانواده شده است و همسر خویش را درک کند؛ چون مرد خانواده، ممکن است ساعات طولانی را در بیرون از منزل کار کند و ناراحتی‌هایی برای وی به وجود بیاید. مادر خانواده این عوامل مزاحم و استرس‌زا را کنترل می‌کند تا خدشه‌ای در تعامل‌ها و شادکامی اعضای خانواده به وجود نیاید و اگر مشکلی به وجود آمد، آن را حل کند تا اعضای خانواده از هم دلگیر نباشند. در واقع، نقش حامی را دارد و سعی می‌کند تا مشکلات تعاملی و خانوادگی را حل و فصل کند.

«خب من دو تا نقش دارم: یکی اینکه مادر خوبی باشم و همین‌طور به همسر خوبی باشم. برای من مسئولیت‌هاش سخته؛ ولی سعی می‌کنم درست انجامش بدم. خب بین من و همسر من گاهی اوقات مشکلی به وجود میاد و بحثمون میشه؛ اما من سعی می‌کنم که کوتاه بیام؛ چون اون بیرون خونه کار می‌کنه. ممکنه که اونجا اذیت شده باشه. سعی می‌کنم البته بچه‌ها هم نفهمن تا ناراحت نشن. بعدش بالاخره همسر من میاد عذرخواهی و همه چیز تموم میشه، میره» (نرگس ۴۱، با سه

ایجاد شادی در بین اعضای خانواده برخی کلیشه‌های فرهنگی را کنار بگذارند. آنان سعی می‌کنند تا جایی که می‌توانند خود را از حاشیه‌ها و چشم‌وهمچشمی‌ها دورنگه‌دارند. همچنین، از مقایسه‌های بی‌جای زندگی خود با بقیه اطرافیان دست بردارند که با این کار دخالت اطرافیان نیز به میزان زیادی کاهش می‌یابد؛ زیرا این دخالت‌ها باعث مشاجره بین زن و مرد می‌شود و شادی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

«راستشو بخواید، ما با توجه به اینکه توی این محیط اجتماعی سنتی بزرگ شدیم، حالا به مزیت‌هایی برامون داره، اینکه دورهمی‌ها بیشتر هستش، مهمونی‌های خانوادگی و...؛ اما اینجا خیلی مسائل اقتصادی و مالی مهمه؛ به طوری که همه زندگی ما رو درگیر خودش می‌کنه و بخش اقتصادی خانواده و کار بیرون، بخش احساسی خانواده رو تحت تأثیر خودش قرار میده. همه دنبال چشم‌وهمچشمی هستن که فلانی چی داره؟ چی نداره؟ شوهرش چکار می‌کنه؟ بچه‌هاش چی میشن؟ خودش چکار می‌کنه و این رقابت‌ها تو همه حیطه‌ها هستش، از وضع مالی، درس، کار و... آدم کلافه میشه؛ در نتیجه، همش باید دنبال پول باشی و شادی تو از دست میده؛ چون وقتی براش نمیداری. منم ترجیح میدم که از این آدم‌ها کناره‌گیری کنم تا خانوادم در آرامش باشن. به جای رقابت الکی، دنبال خوشحالی خانوادم باشم تا اونا هم اذیت نشن و همسر ناراحت نباشه. با این کار دخالت‌ها و ناراحتی‌ها کاهش پیدا کرده برامون» (فهیمة، ۳۸ ساله، با سه فرزند).

مسئله مهم دیگر برای زنان توجه به برابری جنسیتی در تعامل‌هاست. به این معنا که سعی می‌کنند، تقسیم کار صورت بگیرد و مرد، دیگر خود را رئیس خانواده قلمداد نکند که این مشاجره‌ها را کاهش می‌دهد. این توجه به استقلال زن در خانواده به او عزت نفس و اعتماد به نفس می‌دهد و زنان را قوی می‌کند. آنان نیز احساسات مثبت خویش را در راه اعضای خانواده و شادی آنان صرف می‌کنند و در نتیجه، شادکامی اعضای خانواده نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا مسئله بااهمیت این بود که زنان اذعان داشتند، وقتی که همسرشان به استقلال وی اهمیت می‌دهد و در اظهارنظرها مشارکت می‌کنند، باعث می‌شود که زنان همه تلاش خود را برای ایجاد

فرزند).

«الآن با توجه به این بیماری هم که توی جامعه و شهر ما هستش، کلی کارها رو تعطیل کرده. خب ما هم مسلماً برامون مشکل به وجود اومد و قدرت خریدمون پایین اومده؛ ولی سعی می‌کنیم، بچه‌ها خیلی درگیر این چیزا نشن و من خودم هم شاغلم و به همسر کمک می‌کنم تا این بحران‌ها رو از سر بگذرونیم و مثلاً مشورت می‌کنیم که چطور زندگی رو اداره کنیم تا ناراحتی به وجود نیاد و همه حالشون خوب باشه» (فریده ۲۹، با یک فرزند).
«همسر چون میفهمه که من درکش می‌کنم و از اون توقعاتم رو پایین آوردم، خیلی روحیه‌اش بهتر شده و میدونه که توی این شرایط تنها نیست و من پشتش هستم و نمیذارم که این مشکلات ما رو ناراحت‌کنه و خوشحالمون رو ازمون بگیره. ما همه پشت هم هستیم و بهم کمک می‌کنیم تا بحران‌ها رو پشت سر بذاریم» (لیلا ۲۴، با یک فرزند).

راهبردهای تعاملی - حمایتی

زنان و مادران سعی می‌کنند به‌عنوان یکی از ارکان مهم خانواده، تعامل‌های مثبتی با اعضای خانواده به وجود آورند و همواره روحیه نشاط و شادی اعضای خانواده را حفظ کنند. آنان سعی می‌کنند که همواره به اعضای خانواده محبت و احساسات خویش را درباره آنان بیان کنند. همچنین، سعی می‌کنند که درباره مسائل مختلف با همدیگر صحبت کنند و اجازه ندهند سکوت و سردی در بین اعضا حاکم شود؛ برای مثال، با حفظ روحیه شوخ‌طبعی، جوک گفتن ... فضای خانه را عوض می‌کنند و فضای گفتگویی صمیمی و گرمی را به وجود می‌آورند. اعضای خانواده از جمله فرزندان نیز سعی می‌کنند که پاسخگو و قدر دان تلاش‌های مادر خانواده باشند و به وی در ایجاد جو صمیمی کمک کنند؛ زیرا مادر خانواده سعی می‌کند که مدیریت تعامل‌ها را داشته باشد.

«من ارتباطات خیلی برام مهمه و سعی می‌کنم که تعامل‌های خوبی با اعضای خانوادم داشته باشم؛ مثلاً، بهشون می‌گم که خیلی دوسشون دارم. باهاشون شوخی می‌کنم. اونا هم با من خیلی خوبن. بهم احترام می‌ذاریم. سعی می‌کنم فضای خانواده صمیمی باشه و همه بتونیم خواسته‌هامون رو مطرح کنیم ...» (ساناز ۵۰، با سه فرزند).

مدیریت اقتصادی

باتوجه به مشکلات به‌وجودآمده در جامعه به‌خصوص بیماری کووید ۱۹ و افزایش مشکلات مالی بیشتر خانواده‌ها، این مسائل درکنار دیگر مشکلات، ممکن است زندگی خانوادگی و زناشویی را دستخوش بحران کند و شادکامی اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما زنان پژوهش حاضر بیان داشتند که برای مقابله با چالش‌های اقتصادی به‌وجودآمده در زندگی، سعی می‌کنند با همفکری هم برای رفع مشکلات برنامه‌ریزی کنند و همچنین با راه‌حل‌هایی فشار اقتصادی بر همسر خانواده را کاهش دهند.

زن خانواده سعی می‌کند که انتظارات مالی خویش را از همسر خود کاهش دهد؛ برای مثال، کمتر خرید کند و تعادلی را در دخل و خرج زندگی به وجود آورد تا بتواند بحران مالی به‌وجودآمده را پشت سر بگذارد. درواقع، زنانی که شاغل هستند، سعی می‌کنند تا کمک خرج زندگی باشند و به همسر خویش در اداره زندگی کمک کنند. همچنین، هدف دیگر آنان این است که فرزندان خانواده تا حد ممکن در رفاه باشند و متوجه مشکلات به‌وجودآمده نشوند و قدرت خرید آنان برای رفع نیازهایشان درحیطه تحصیلی، آموزشی، پوشاک و ... کاهش نیابد. درواقع، آنان با روحیه همدلی در رفع مشکلات خانواده می‌کوشند و این کمک‌کننده شادی خانواده است؛ زیرا وقتی مشکلات کاهش یابد، متناسب با آن سطح شادکامی خانواده نیز افزایش می‌یابد. این کمک‌ها باعث می‌شود که مرد خانواده احساس کند تنها نیست و همسر وی در این اوضاع سخت وی را درک می‌کند و کمک‌حال اوست. این حس همدلی و قدردانی باعث می‌شود که افراد خانواده حس خوشبختی و شادی داشته باشند. درواقع، حس همدلی اعضا با همدیگر کمک‌کننده مقابله با بحران‌هاست. درواقع، زمانی که اعضای خانواده پشت هم هستند، در اوضاع سخت زندگی، راحت‌تر می‌توانند این بحران‌های اقتصادی را پشت سر بگذارند.

مشکل، همه باهمفکری همدیگر برای حل آن اقدام می‌کنند تا حمایت‌های عاطفی خانواده حفظ شود. در واقع، زمان ایجاد مشکلات، مادر خانواده با حفظ و تقویت فضای معنوی خانواده، سعی می‌کند که روحیه شادی و توکل را حفظ کند.

مسئله مهم دیگر که زنان انجام می‌دهند، تعامل با اطرافیان و اقوام است؛ مانند برپایی جشن‌ها و دوره‌می‌های خانوادگی در زمان‌های مختلف مانند جشن تولد، ازدواج، موفقیت‌های تحصیلی، شغلی و ... همچنین، ارتباط داشتن با خانواده همسر و خانواده خود حلقه خانوادگی را گسترده‌تر می‌کنند تا در مواقع ضروری کمک‌رسان باشند. علاوه بر تعامل با اقوام، آنان سعی می‌کنند تا تعامل با دوستان خانوادگی و مسافرت با آنها فراموش نشود تا برای مواقع حساس سرمایه اجتماعی کسب کنند و با دسترسی به پشتیبانی روانی، روحیه صمیمیت و شادی خانواده افزایش یابد. در واقع، آنان به همسر و فرزندان خود اجازه می‌دهند تا زمان‌هایی را در کنار دوستان خود نیز صرف کنند؛ برای مثال به باشگاه، کوهنوردی و ... بروند تا علاوه بر کسب سرمایه اجتماعی، روحیه نشاط و شادی آنان نیز افزایش یابد.

«خانواده برای هرکسی مهمه، حالا چه خانواده خودت، چه همسر و حتی اگه دوستای زیادی هم داشته باشی برای روز مبادا به دردت می‌خورن و یه روزی پشتیبانت میشن. اگه مشکلی به وجود بیاد به کمکت میان. من همش سعی می‌کنم تعاملاتمان رو با بقیه حفظ کنیم. میریم مهمونی‌های خانوادگی، پیش اقوام، سعی می‌کنم با بهونه‌های مختلف مثل تولد و ... همه رو کنار هم نگه دارم تا شاد بشیم و روحیه خانواده خوب میشه؛ چون من بچه‌هام کمی بزرگن، گاهی وقت‌ها با پدرشون میرن بیرون. کوهنوردی و حالشون خوب میشه. خب همه اینها باعث رضایت بیشتر از زندگی میشه» (فرشته ۴۷ ساله، با سه فرزند).

در واقع، همه این تلاش‌ها برای رسیدن به لذت و حس خوب است؛ زیرا باعث افزایش رضایت از زندگی در بین اعضای خانواده می‌شود.

البته به‌جزء تعامل مناسب با فرزندان، زن خانواده به‌عنوان همسر سعی می‌کند تا پشتیبان خانواده در تمام امور باشد و از همسر خود به‌دلیل تلاش‌های بی‌وقفه قدردانی کند. در مقابل، فرزندان هم به شخصیت همسر خویش احترام می‌گذارند. به خواسته‌های اعضای خانواده توجه کند و اگر مشکلی برای هر کدام به وجود بیاید با حمایت‌های منطقی و سازنده خویش برای حل مشکلات اقدام کند؛ زیرا این راهبردهای حمایتی از خانواده همواره راهگشاست.

«ارتباطات به‌نظم توی خونه مهمه. من اگه شوهرم کاری برام انجام‌ده، ازش تشکر می‌کنم. پیش بچه‌ها اگر دعوایی هم داشته باشیم، سعی می‌کنم بروز ندم تا پیش بچه‌ها همیشه حال خوبی داشته باشیم» (سمیرا ۳۸، با دو فرزند).

در واقع، مادران سعی می‌کنند که فضای گفتمانی خانواده، فضای صمیمی باشد و همه اعضا حق اظهار نظر و صحبت کردن درباره مسائل خانواده، تحصیلی، کاری، تغییر شغل، منزل و تعامل‌ها را داشته باشند و همه این موارد را با همفکری همدیگر حل و فصل کنند. در نتیجه، فضای صمیمی بر خانواده حاکم می‌شود و اعضا باهم تعامل‌های مثبت و مفیدی پیدا می‌کنند. این جو مثبت حاکم بر محیط خانواده، باعث حس رضایت و شادکامی اعضا می‌شود.

«به نظر من فضای خونه هم میتونه باعث حس شادی و نشاط بشه، هم میتونه باعث ناراحتی و خمودگی بشه و بستگی به تعاملاتمون باهمدیگه داره. ما همه باهم مشورت می‌کنیم و باهم خوبیم و فضای صمیمی در خونه ما حاکم هستش. من نمیدارم بینمون جدایی بیفته» (پرینا ۵۵ ساله، با سه فرزند).

اعضای خانواده علاوه بر تعامل‌هایی که باهمدیگر دارند، برای رسیدن به حس شادی و نشاط سعی می‌کنند که تعامل‌ها و ارتباط‌های اجتماعی خویش را نیز افزایش دهند. مادر خانواده سعی می‌کند که زمان‌هایی را برای مسافرت‌های خانوادگی اختصاص دهد و به مکان‌هایی سفر کنند که اعضای خانواده دوست دارند تا علاوه بر ایجاد روحیه شادی، به تقویت پیوندهای بین اعضا کمک کند. همچنین، زمان بروز

نتیجه

در پژوهش حاضر ایجاد شادکامی در محیط خانواده ازسوی زنان مطالعه شده است. نتایج پژوهش نشان داد که زنان برای ایجاد شادکامی در محیط خانواده کارهای بسیاری را انجام می‌دهند که از درون داده‌ها ۷۶ مفهوم، ۱۵ مضمون فرعی، ۵ مضمون اصلی استخراج شد. مضامین استخراج شده با عنوان کنار گذاشتن کلیشه‌های فرهنگی، پذیرش نقش مادرانگی، پذیرش نقش زنانگی، مدیریت اقتصادی و راهبردهای تعاملی-حمایتی مطرح شد.

همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل سطح خرد و کلان در جامعه بر چگونگی ایجاد شادکامی در محیط خانواده ازسوی زنان مؤثر است و درواقع، شادی زنان تحت‌تأثیر عوامل سطح خرد و کلان قرار دارد. به این معنا که عوامل سطح خرد شامل عوامل فردی-خانوادگی و روانی مانند پذیرش نقش مادرانگی، پذیرش وظایف همسری و راهبردهای تعاملی-حمایتی است. زمانی ارتباط‌های مؤثر و مثبت در محیط خانواده شکل می‌گیرد که مادر یک فضای گفتگامی مؤثر در خانواده ایجاد کند و پشتیبان همه اعضای خانواده باشد که این خود بر ایجاد شادی اثرگذار است. همچنین، حفظ کردن تعامل‌های خانوادگی و وقت‌گذراندن با اعضای خانواده و حل مشکلات با همفکری همدیگر باعث می‌شود که افراد درمواقع ضروری احساس کمبود نداشته باشند و همواره احساس کنند که پشتیبانی روانی خانواده را دارند. همچنین، مهم‌ترین مسئله همان پذیرش نقش مادرانگی و پذیرش نقش همسری ازسوی زنان است؛ زیرا مهم‌ترین رکنی که خانواده را حفظ می‌کند، پذیرش نقش زن ازسوی اوست و این پذیرش باعث احساس تعلق خاطر وی به خانواده می‌شود. همین مسئله باعث می‌شود که مسئولیت‌های خانوادگی خویش را به‌درستی انجام دهد و شادکامی را در محیط خانواده ایجاد کند؛ بنابراین عوامل فردی و خانوادگی باعث ایجاد شادکامی می‌شوند و شادی نیز از آنان متأثر است. همچنین، درسطح‌های کلان جامعه، عواملی مانند مسائل

فرهنگی و اقتصادی نیز خواه‌ناخواه بر ایجاد شادی ازسوی مادران در محیط خانه اثرگذار است. به این معنا که بستر فرهنگی جامعه به‌خصوص شهر یزد به‌عنوان شهری سنتی، بر روحیه‌ها و تعامل‌های افراد اثر می‌گذارد؛ یعنی زنان سعی می‌کنند به کلیشه‌های فرهنگی محیط اطراف خود اعتنا نکنند تا آنان شادی خانواده را ازبین نبرند؛ مانند بی‌توجهی به مقایسه‌های اجتماعی و چشم‌وهمچشمی‌هایی که وجود دارد و توجه به برابری جنسیتی در محیط خانواده. همچنین، بی‌توجهی و اجازه‌ندادن به دیگران برای دخالت کردن در زندگی مشترکشان باعث می‌شود که ایجاد شادی سخت نباشد و تحت‌تأثیر این اوضاع قرار نگیرند؛ زیرا توجه به این مسائل بی‌اهمیت باعث می‌شود که زندگی زناشویی و خانوادگی درگیر حاشیه شود که دوری اعضای خانواده از یکدیگر را به‌دنبال دارد و درنهایت، شادی را از محیط خانواده دور می‌کند. همچنین، عامل مهم دیگر عوامل اقتصادی است. با توجه به مشکلات اقتصادی ازجمله: تورم و کاهش قدرت خرید مردم، باعث شده که افراد زمان زیادی را صرف کار و فعالیت اقتصادی کنند و ممکن است که پدر خانواده، خیلی نتواند در محیط خانواده حضور یابد. به‌خصوص در شهر یزد که مشارکت‌کنندگان بیان داشتند، مردان خانواده خیلی به مادیات توجه و در راه رسیدن به آن تلاش می‌کنند و همواره هدف آنان سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، خرید زمین و ... است. آنان آینده‌نگر هستند؛ اما همین هدف‌ها آنها را از شادکامی دور می‌کند؛ زیرا بحث اقتصاد را مبنای زندگی قرار داده‌اند؛ اما زنان باید این خلأ را نیز پر کنند که یکی از این راهکارها، کنارگذاشتن کلیشه‌های فرهنگی و چشم‌وهمچشمی‌هاست. همچنین، توجه هرچه بیشتر مرد به زن، حفظ استقلال و شخصیت وی، به‌طور چرخه‌ای باعث بازتولید ایجاد شادکامی ازسوی زنان در محیط خانواده می‌شود و اگر مرد خانواده، به زن اهمیت ندهد، زن میل و انگیزه‌ای برای شادکامی اعضای خانواده و همسر خویش نخواهد داشت.

رشدی کوچی و همکاران (۱۳۹۵) یک پژوهش کمی

انجام دادند؛ البته درباره عملکرد خانواده و شادکامی بود. همچنین، فرخی و سبزی (۱۳۹۴) در پژوهشی کمی بیان کردند که ارتباطها با شادی مرتبط است. آخوند فیض و ذکائی (۱۳۹۵) با پژوهشی کیفی، شادکامی را در طول زندگی مطالعه کردند. عنبری و حقی (۱۳۹۲) در پژوهشی با روش کمی بیان کردند که شادی و متغیرهای خانوادگی باهم ارتباط دارند. نجف‌آبادی و سام آرام (۱۳۹۰) در پژوهشی با روش کمی میانگین شادی زنان را مطالعه کردند. جمیلی کهنه شهری و رنجبر (۱۳۹۱) در پژوهشی کیفی بیان کردند که تعامل با همسر و الگوی ازدواج بر شادی مؤثر است. پژوهش‌های انجام‌شده، نشان داد که کارهای کیفی و کمی انجام‌گرفته؛ اما درباره شادمانی خانواده و خود زنان بوده است و تا حدودی در برخی متغیرها با پژوهش مذکور همسو هستند؛ اما پژوهش حاضر درباره نقش زنان در شادمانی خانواده است که تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. همچنین، چلی و همکاران (2019) در پژوهش پانل نشان دادند که بهزیستی ذهنی در خانواده بهم منتقل می‌شود. همچنین، اک و همکاران (2019) در پژوهش کیفی بیان کردند که کیفیت زندگی افراد تحت تأثیر شادی خانواده و سلامت والدین و کودک قرار دارد. گادمانسدوتیر و همکاران (2016) در پژوهشی پانل بیان کردند که تعامل و حمایت با والدین باعث شادی فرزندان می‌شود. هیدی و همکاران (2014) در پژوهشی پانل بیان کردند که رضایت از زندگی کودکان همچنان با انتقال ارزش‌ها و رفتارها، به‌طور مستقیم تحت تأثیر رضایت از زندگی مادران آنها قرار می‌گیرد و اثر پدرها فقط غیرمستقیم است. این پژوهش‌های لاتین تا حدودی با نتایج پژوهش مذکور همسو بود؛ زیرا به تعامل والدین و نقش پررنگ زنان در رضایت از زندگی کودکان اشاره می‌کنند که پژوهش حاضر نیز به نقش راهبردهای تعاملی-حمایتی در ایجاد شادمانی خانواده اشاره می‌کند. هرچند در برخی مقوله‌ها متفاوت است و در پیشینه‌های ذکرشده به آنها اشاره نشده است.

همچنین نظریه‌های مطرح‌شده نیز تا حدودی به نقش زنان اشاره کرده‌اند که در پژوهش حاضر نیز مطرح شده است. همان‌طور که دیالوگ عاشقانه اریک فروم بیان می‌کند: برخلاف عشق برادرانه و عشق زن و مرد که عشق برابر است، روابط مادر و فرزند به‌سبب ماهیت خاصی که دارد، برپایه نابرابری است. شخصی به همه یاری‌ها نیاز دارد و دیگری همه آن یاری‌ها را فراهم می‌آورد. به دلیل خاصیت پرستارانه و فداکارانه است که عشق مادرانه بالاترین نوع عشق‌ها و مقدس‌ترین پیوندهای عاطفی است که در پژوهش حاضر نیز به این مسئله در مقوله پذیرش نقش مادرانگی اشاره شد و مادر سعی داشت که همه وظایف مادرانه خویش را به‌نحو احسن انجام دهد تا فرزندش شادمان باشد. همچنین، همان‌طور که گیدنز درباره روابط ناب و صمیمیت نشان داد، این روابط صمیمانه تغییر شکل یافته است و این صمیمیت خود را درون نهاد خانواده نشان می‌دهد که افراد باهم تعامل‌های متقابل دارند و این پیوندهای عاطفی کودک با مراقبان خویش است که تمام ارتباط‌های اجتماعی صمیمانه‌ای را که در بزرگسالی برقرار می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز مادر سعی می‌کند که تمام نیازهای عاطفی-تحصیلی، تعاملی و اقتصادی فرزند را تا جایی که می‌تواند برطرف کند تا فرزندش شادمان باشد. هورکهایمر نیز بیان می‌کند که زن به عنوان حضور مادرانه در خانواده بیشتر مسئول حفظ روابط به‌واقع انسانی است. درواقع، نقش زنان در خانواده اقتدارمنشانه است. از آنجایی که علاقه مرد به وضع موجود باعث سازگاری با روابط اقتدارمنشانه می‌شود، اصرار صریح یا ضمنی زن نیز به همان‌اندازه مهم است. درواقع، پژوهش حاضر نیز به نقش زنان در انجام‌دادن وظایف همسری و زنانگی خود اشاره می‌کند که زن تمام توان خویش را به کار می‌گیرد تا رضایت‌خاطر همسر را برآورده کند؛ زیرا تعامل با همسر و حفظ اقتدار وی در محیط خانه برای او مهم است.

درواقع، یکی از محیط‌هایی که افراد می‌توانند از ناملایم‌های بیرونی به آن پناه ببرند و حال خوب را برای

انجام دادند؛ البته درباره عملکرد خانواده و شادکامی بود. همچنین، فرخی و سبزی (۱۳۹۴) در پژوهشی کمی بیان کردند که ارتباطها با شادی مرتبط است. آخوند فیض و ذکائی (۱۳۹۵) با پژوهشی کیفی، شادکامی را در طول زندگی مطالعه کردند. عنبری و حقی (۱۳۹۲) در پژوهشی با روش کمی بیان کردند که شادی و متغیرهای خانوادگی باهم ارتباط دارند. نجف‌آبادی و سام آرام (۱۳۹۰) در پژوهشی با روش کمی میانگین شادی زنان را مطالعه کردند. جمیلی کهنه شهری و رنجبر (۱۳۹۱) در پژوهشی کیفی بیان کردند که تعامل با همسر و الگوی ازدواج بر شادی مؤثر است. پژوهش‌های انجام‌شده، نشان داد که کارهای کیفی و کمی انجام‌گرفته؛ اما درباره شادمانی خانواده و خود زنان بوده است و تا حدودی در برخی متغیرها با پژوهش مذکور همسو هستند؛ اما پژوهش حاضر درباره نقش زنان در شادمانی خانواده است که تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. همچنین، چلی و همکاران (2019) در پژوهش پانل نشان دادند که بهزیستی ذهنی در خانواده بهم منتقل می‌شود. همچنین، اک و همکاران (2019) در پژوهش کیفی بیان کردند که کیفیت زندگی افراد تحت تأثیر شادی خانواده و سلامت والدین و کودک قرار دارد. گادمانسدوتیر و همکاران (2016) در پژوهشی پانل بیان کردند که تعامل و حمایت با والدین باعث شادی فرزندان می‌شود. هیدی و همکاران (2014) در پژوهشی پانل بیان کردند که رضایت از زندگی کودکان همچنان با انتقال ارزش‌ها و رفتارها، به‌طور مستقیم تحت تأثیر رضایت از زندگی مادران آنها قرار می‌گیرد و اثر پدرها فقط غیرمستقیم است. این پژوهش‌های لاتین تا حدودی با نتایج پژوهش مذکور همسو بود؛ زیرا به تعامل والدین و نقش پررنگ زنان در رضایت از زندگی کودکان اشاره می‌کنند که پژوهش حاضر نیز به نقش راهبردهای تعاملی-حمایتی در ایجاد شادمانی خانواده اشاره می‌کند. هرچند در برخی مقوله‌ها متفاوت است و در پیشینه‌های ذکرشده به آنها اشاره نشده است.

همچنین نظریه‌های مطرح‌شده نیز تا حدودی به نقش زنان

طلاق، اعتیاد، فحشا و ... در جامعه گسترش می‌یابد.

منابع فارسی

- آخوندفیض، ل. و ذکائی، م. (۱۳۹۵). «تحول معنای شادی در گذار دوره زندگی: پژوهشی در میان زنان شهر کرمان»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۷ (۲۹)، ۲-۴۰.
- ابراهیم نجف‌آبادی، ا. و سام‌آرام، ع. (۱۳۹۰). «بررسی میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴) ساله شهر اصفهان با تأکید بر میزان برخورداری از حقوق شهروندی»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی*، ۳ (۱۱)، ۵۱-۶۸.
- اعظم‌آزاده، م. و تافته، م. (۱۳۹۴). «منابع مطروذساز، طرد اجتماعی و احساس شادمانی زنان سرپرست خانوار»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۱۳ (۳)، ۳۳۵-۳۵۶.
- باومن، ز. (۱۳۸۴). *عشق سیال در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
- بستان، ح. (۱۳۸۸). «زنان و نقش خانواده، گفت‌وگوی علمی با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسین بستان»، *طهورا*، ۲ (۴)، ۵-۱۲.
- بیات، م. (۱۳۹۶). «رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دل‌بستگی با شادکامی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیشک»، *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۸ (۳۱)، ۹۱-۱۰۲.
- بیات، م.؛ نعامی، ع. و اسماعیلی‌فر، ن. (۱۳۹۲). «سهم هریک از مقیاس‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده در پیش‌بینی شادکامی دانش‌آموزان دختر»، *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۴ (۱۶)، ۹-۲۲.
- جهان‌بزرگی، ز. و هنرپروران، ن. (۱۳۹۸). «مقایسه حمایت اجتماعی و شادکامی در فرزندان دختر خانواده‌های شاهد عادی شهر شیراز»، *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۴ (۴۱)، ۴۷-۵۸.
- جعفری صحراروی، م. (۱۳۹۹). «رابطه الگوهای ارتباطی

خویش ایجاد کنند، خانواده است. نتایج پژوهش نشان داد که باید هرچه بیشتر به نقش خانواده توجه کرد. به‌خصوص به نقش مادران که شاید خیلی به آن توجه نشده و بیشتر پژوهش‌های کمی با رویکرد جامعه‌شناختی صورت گرفته است. همچنین، سیاست‌گذاران جامعه باید به نقش زنان بیش‌ازپیش توجه کنند و با برگزاری کارگاه‌ها و آموزش‌های مختلف، چگونگی ایجاد محیط شاد را به آنان آموزش دهند؛ زیرا زنان یکی از ارکان اصلی خانواده هستند. همچنین، درباره عملکرد خانواده، سبک‌های فرزندپروری، چگونگی ایجاد شادکامی، مدیریت مشکلات و پذیرش وظایف نیز باید به آنان آموزش داده شود؛ زیرا با داشتن خانواده شاد، جامعه‌ای شاد هم خواهیم داشت؛ البته مسئله مهم مسائل سطح کلان است که اگر مشکلات اقتصادی خانواده‌ها و موقعیت فرهنگی جامعه بهبود یابد، بر عملکرد مثبت خانواده‌ها اثر می‌گذارد. درواقع، همان‌گونه که مطرح شد، شادکامی یکی از ابعاد توسعه اجتماعی جوامع است که نشان می‌دهد، شادکامی علاوه بر بُعد روان‌شناختی ابعاد مهم جامعه‌شناختی نیز دارد؛ زیرا هرچه شهروندان جامعه‌ای شاد باشند، موجبات پویایی جامعه فراهم می‌شود. حال این افراد در محیط خانواده رشد می‌کنند و در نتیجه، جامعه‌پذیری‌شان شکل می‌گیرد؛ بنابراین اگر ارکان اصلی خانواده که والدین هستند، بتوانند محیط شاد و سالمی را برای فرزندان‌شان رقم بزنند، در نهایت، خانواده شاد و سالمی ایجاد خواهد شد که به دور از تنش‌ها و نامالیم‌های بیرونی به دنبال پویایی و شکوفایی استعدادهای خویش هستند و این خانواده‌های سالم به تبع، جامعه سالم و شهروندان شاد و سالمی ایجاد خواهد کرد که خودباوری، اعتمادبه‌نفس، میل به پیشرفت و ... دارند و در آینده باعث توسعه جامعه می‌شود؛ اما برعکس اگر والدین نتوانند آنگونه که شایسته است، محیط خانواده را کنترل کنند و محیط آرامش‌بخش و سالمی را برای اعضای خویش به وجود آورند، در نتیجه، کانون خانواده از هم گسسته می‌شود و جامعه در آینده با رخوت مواجه خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی مانند

- خانواده با سازگاری و شادکامی»، پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی آموزش و پرورش، ۳ (۲۴)، ۱۴۵-۱۵۹.
- جمیلی کهنه شهری، ف. و رنجبر، م. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی شادمانی زنان متأهل دانشجوی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، ۱۴ (۵۶)، ۲۱۱-۲۴۵.
- چاوشی، م.؛ یزدی، م. و حسینیان، س. (۱۳۹۸). «اثربخشی آموزش مبتنی بر مدل بومی خانواده شادی محور بر عملکرد خانواده»، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۷ (۱)، ۹۷-۱۱۵.
- چاوشی، م.؛ یزدی، م. و حسینیان، س. (۱۳۹۷). «تدوین الگوی بومی خانواده شادی محور با استفاده از نظریه مبنایی»، فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۱۳ (۴۴)، ۷-۲۶.
- خمسه، ف.؛ زهراکار، ک. و محسن‌زاده، ف. (۱۳۹۴). «تأثیر آموزش کاربر عملی مهارت‌های صمیمانه بر میزان رضایت جنسی و شادمانی زناشویی زنان متأهل»، پژوهشنامه روانشناسی مثبت، ۱ (۲)، ۴۱-۵۲.
- رشیدی کوچی، ف.؛ نجفی، م. و محمدی‌فر، م. (۱۳۹۵). «نقش سرمایه‌های روان‌شناختی مثبت و عملکرد خانواده در پیش‌بینی شادکامی در دانش‌آموزان دبیرستانی»، فصلنامه پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت، ۲ (۳)، ۷۹-۹۵.
- روحانی، ع. و ابوطالبی، ح. (۱۳۸۸). «رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان»، فصلنامه تازه‌های روانشناسی صنعتی، ۱ (۱)، ۵۵-۶۲.
- زهادت، ع. و امیدوار، ب. (۱۳۹۵). «پیش‌بینی عملکرد خانواده و شادکامی زناشویی براساس سرمایه روان‌شناختی زن در خانواده‌های کارمندان زن متأهل شهرداری شهر شیراز»، فصلنامه زن و جامعه، ۷ (۴۷)، ۴۲-۲۹.
- شیشه‌فر، س.؛ کاظمی، ف. و پزشکی، ش. (۱۳۹۶). «اثربخشی واقعیت‌درمانی بر شادکامی و مسئولیت‌پذیری مادران
- کودکان در خودمانده»، فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی دانشگاه علامه طباطبایی، ۷ (۲۷)، ۵۳-۷۷.
- سعادتیان، ص. و شیرافکن، ع. (۱۳۹۷). «تأثیر مداخلات خانواده‌محور بر سبک‌های فرزندپروری والدین و شادکامی نوجوانان دچار مشکلات رفتاری شهرستان مشهد»، فصلنامه آموزش، مشاوره و روان‌درمانی، ۷ (۲۶)، ۸۳-۹۴.
- سمیعی‌اصفهانی، ع.؛ پوردانش، س. و دانش، ح. (۱۳۹۷). «عوامل اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان: مطالعه موردی»، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۰ (۶)، ۱۸۶-۲۰۰.
- طلوعی، ع. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی عشق، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- علیپور نورتاش، و.؛ عماری، ح. و بنیسی، پ. (۱۳۹۸). «اثربخشی واقعیت‌درمانی گروهی بر شادکامی و کنترل خشم زنان سرپرست خانوار کمیته امداد تبریز»، فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی، ۱ (۱)، ۱۰-۱۸.
- عنبری، م. و حقی، س. (۱۳۹۲). «اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان»، فصلنامه توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی)، ۵ (۱)، ۱۳۳-۱۵۸.
- علیرضازاد، س. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی عشق-تأملی بر تحول روایت زنانه عشق، تهران: نشر دانژه.
- کاشانی‌نسب، ز.؛ شفیق‌آبادی، ع. و کریمی، ا. (۱۳۹۳). «مقایسه اثربخشی رویکرد معنادرمانی و شادمانی فوردایس بر کاهش افسردگی زنان سالمند شهر تهران»، فصلنامه پژوهشنامه تربیتی، ۹ (۳۸)، ۲۳-۳۸.
- کسلر، د. (۱۳۹۴). نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک: از آگوست کنت تا آلفرد شوٲس، ترجمه کرامت اله راسخ، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کرسول، ج. (۱۳۹۶). طرح پژوهش رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- AzamAzadeh, M., and Tafteh, M. (2015). The sources of social exclusion and happiness in female-headed households. *Woman in Development and Politics*, 13(3), 335-356 (In Persian).
- Bauman, Z. (2005). *Fluid love about the instability of human ties*, translated by ErfanSabeti. Tehran: Phoenix Publications (In Persian).
- Bayat, M. (2017). The relationship between family communication patterns, attachment styles and happiness in female students of Islamic Azad University of Andimeshk, *Journal of Women and Culture*, 8(31), 91-102 (In Persian).
- Bayat, M.R., Naami, A., and Smaeeli Far, N. (2013). An investigation into the family's socioeconomic status' aspects in predicting the students' happiness, *Journal of Women and Culture*, 4(16), 9-22 (In Persian).
- Botha, F., Wouters, E., and Booyesen, F. (2018). Happiness socioeconomic status, and family functioning in South african households: a structural equation modelling approach, *Applied Research in Quality of Life*, 13 (4), 947-989.
- Botha, F., and Booyesen, F. (2014). Family functioning and life satisfaction and happiness in South african households, *Social Indicators Research*, 119 (1), 163-182.
- Bostan, H. (2009). Women and the role of the family, a scientific dialogue with Hojjat al-Islam and Muslims Dr. Hussein Bostan, *Tahoora*, 2(4), 5-12 (In Persian).
- Bruce, C. (2007). Questions arising about emergence data collection and its interaction with analysis in a grounded theory study, *International Journal of Qualitative Methods*, 6 (1), 51-68.
- Casey, E. (2008). Working class women gambling and the dream of happiness, *Feminist Review*, 89 (1), 122-137.
- Chavoshi, M., Seyedeh Monavar Yazdi, S.M., and Hosseinian, S. (2019). Effectiveness based on the Indigenous Happiness-Oriented Family Model on the Function of Family. *Journal of Women and Family Studies*, 7(1), 97-115 (In Persian).
- Chavoshi, M., Yazdi, M., and Hosseinian, S. (2018). Development of a local model of happiness-oriented family using grounded theory, *The Women and Families Cultural-Educational*, 13(44), 7-26.
- Chi, P., Du, H., King, R. B., Zhou, N., Cao, H., and Lin, X. (2019). Well-being contagion in the family: transmission of happiness and distress between parents and children, *Child Indicators Research*, 12 (6), 2189-2202.
- Cieslik, M. (2015). Not smiling but frowning: sociology and the problem of happiness, *Sociology*, 49 (3), 422-437.
- Crowe, M., Inder, M., and Porter, R. (2015). Conducting qualitative research in mental health: گیدنز، ا. (۱۳۸۵). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- فرخی، ا. و سبزی، ن. (۱۳۹۴). «شادکامی و ادراک الگوهای ارتباطی خانواده: نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی»، *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۱ (۴۳)، ۳۲۴-۳۱۳.
- فلیک، ا. (۱۳۹۰). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- منتظری، ع.؛ امیدواری، س.؛ سید علی، ا.؛ آیین‌پرست، ا.؛ جهانگیری، ک.؛ صدیقی، ژ.؛ عبادی، م.؛ فرزندی، ف.؛ مفتون، ف.؛ طاووسی، م.؛ هدایتی، ع. و فتحیان، س. (۱۳۹۱). «میزان شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه سلامت ازدیدگاه مردم ایران»، *پایش*، ۱۱ (۴)، ۴۶۷-۴۷۵.
- میکائیلی، ج.؛ خرسندی، م. و همایونی، ف. (۱۳۹۸). «بررسی نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر شادی: مطالعه موردی جمعیت فعال شهر تهران»، *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، ۳ (۱۲)، ۱-۴۱.
- میلر، پ. (۱۳۸۲). *سوژه، استیلا و قدرت در نگاه هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و فوکو*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.

References

- Akhoundfeyz, L., and Zokaei, M. (2016). The change of the happiness meaning in life cycle transition: A study among women in Kerman. *Social Development & Welfare Planning*, 7(29), 2-40 (In Persian).
- Alirezanzad, S. (2017). *Sociology of love-reflection on the evolution of the female narrative of love*, Tehran: Danjeh Publishing (In Persian).
- Alipour Nootash, V., Ammari, H., and Banis, P. (2019). The effectiveness of group reality therapy on happiness and anger control in female head of tabriz amdad committee. *Journal of New Approaches in Educational Sciences*, 1(1), 10-18 (In Persian).
- Anbari, M., and Haghi, S. (2013). Effects of social risks on women's social happiness. *Journal of community (rural and urban communities)*, 5(1), 133-158 (In Persian).

- Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, 4(41), 47-58 (In Persian).
- Jafari Sahraroudi, M. (2002). The relationship between family communication patterns and adjustment and happiness, *Journal of New Advances in Psychology, Educational Sciences*, 3(24), 145-159 (In Persian).
- Jamili Kohane Shahri, F., and Ranjbar, M. (2012). Sociological study of happiness among married female students. *Journal of Strategic Studies of Women (Former Women)*, 14(56), 211-245 (In Persian).
- Kashani Nasab, Z., Shafiabadi, A., and Karami, A. (2014). Comparison of the effectiveness of Fordyce semantic therapy and happiness approach on reducing depression in elderly women in Tehran, *Journal of Educational Research*, 9(38), 23-38 (In Persian)
- Kessler, D. (2015). *Theories of Classical Sociologists (from August Kent to Alfred Schutz)*, translated by Keramatollah Rasekh, Tehran: Sociologists Publications in collaboration with Islamic Azad University of Jahrom Publications (In Persian).
- Khamse, F., Zaharakar, K., and Mohsenzade, F. (2015). The effect of practical application of intimate relationship skills (PAIRS) on enhancing sexual satisfaction and marital happiness in married wives. *Journal of Positive Psychology*, 1(2), 42-52 (In Persian).
- Maftai, A., Holman, A. C., and Cârlig, E. R. (2020). Does your child think you're happy? exploring the associations between children's happiness and parenting styles, *Children and Youth Services Review*, 115, 105074.
- McDonnell, C., Luke, N., and Short, S. E. (2019). Happy moms, happier dads: gendered caregiving and parents affect, *Journal of Family Issues*, 40 (17), 2553-2581.
- Mikaeili, J., Khorsandi, M., and Homayouni, FS. (2017). Investigating the role of socio-economic factors affecting happiness: A case study of the active population of Tehran. *Journal of Social Work Research*, 3(12), 1-41 (In Persian).
- Miller, P. (2003). *Subject, domination and power in the view of Horkheimer, Marcuse, Habermas and Foucault*, translated by Niko Sarkhosh and Afshin Jahandideh, Tehran: Ney Publishing (In Persian).
- Montazeri, A., Omidvari, S., Azin, A., Aeenparast, A., Jahangiri, K., Sadighi, J., Ebadi, M., Farzadi, F., Maftoon, F., Tavousi, M., Hedayati, A., and Fathian, S. (2012). Happiness among Iranians: Findings from the Iranian Health Perception Survey (IHPS). *Journal Payesh*, 11 (4), 467-475 (In Persian).
- thematic and content analyses, *Australian & New Zealand Journal of Psychiatry*, 49 (7), 616-623.
- Cresswell, J. (2017). *Quantitative, qualitative and Mixed method approaches research design*, translated by Alireza Kiamanesh and Maryam DanaeToos. Tehran: Jihad Daneshgahi Publications (In Persian).
- Ebrahim Najafabadi, A., and Sam Aram, E. (2011). Evaluation of young women's happiness (15-24 years old) in Isfahan City, with emphasis on the level of citizenship rights. *Journal of Sociology Studies*, 3(11), 51-68 (In Persian).
- Emerson, R. W. (2016). Grounded theory design, *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 110 (3), 213-215.
- Egan, T. M. (2002). Grounded theory research and theory building, *Advances in Developing Human Resources*, 4 (3), 277-295.
- Eck, K. M., Delaney, C. L., Olfert, M. D., Shelnut, K. P., and Byrd-Bredbenner, C. (2019). If my family is happy, then I am happy: quality-of-life determinants of parents of school-age children, *SAGE Open Medicine*, 7 (2), 1-9.
- Easterlin, R. A. (1974). *Does economic growth improve the human lot? some empirical evidence. in, Nations and households in economic growth: Academic Press.*
- Farrokhi, A., and Sabzi, N. (2015). Happiness and perception of family communication patterns: the mediating role of psychological capital. *Journal Developmental Psychology Iranian Psychologists*, 11(43), 312-324 (In Persian).
- Flick, A. (2011). *An Introduction to Qualitative Research Methods*, translated by Hadi Jalili, Tehran, Ney Publishing (In Persian).
- Gray, R. S., Chamrathirong, A., Pattaravanich, U., and Prasartkul, P. (2013). Happiness among adolescent students in thailand: family and non-family factors, *Social Indicators Research*, 110 (2), 703-719.
- Giddens, A. (2006). *Modernity: Society and Personal Identity in the New Age*, translated by Nasser Mofaghian, Tehran: Ney Publishing (In Persian).
- Gudmundsdóttir, D. G., Ásgeirsdóttir, B. B., Huppert, F. A., Sigfúsdóttir, I. D., Valdimarsdóttir, U. A., and Hauksdóttir, A. (2016). How does the economic crisis influence adolescents happiness? population-based surveys in Iceland in 2000-2010, *Journal of Happiness Studies*, 17 (3), 1219-1234.
- Headey, B., Muffels, R., and Wagner, G. G. (2014). Parents transmit happiness along with associated values and behaviors to their children: a lifelong happiness dividend?. *Social Indicators Research*, 116 (3), 909-933.
- Jahan Bozorgi, Z., and Honarparan, N. (2019). Comparison of social support and happiness in the daughters of normal control families in Shiraz,

- research, Newbury Park: CA Sage.
- Toloui, A. (2018). *Sociology of love*, Tehran: Sociologists Publications (In Persian).
- Zahadat, A., and Omidvar, B. (2016). Predicting family function and marital happiness based on woman's psychological capital in the family of municipality staff in Shiraz. *Journal of Women and Society*, 7(47), 29-42 (In Persian).
- Mueller, S., Ram, N., Conroy, D. E., Pincus, A. L., Gerstorf, D., Wagner, J., and Wrzus, C. (2019). Happy like a fish in water? the role of personality-situation fit for momentary happiness in social interactions across the adult lifespan, *European Journal of Personality*, 33 (3), 298-316.
- Nordenmark, M. (2018). The importance of job and family satisfaction for happiness among women and men in different gender regimes, *Societies*, 8 (1), 1-10.
- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., and Moules, N. J. (2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria, *International Journal of Qualitative Methods*, 16 (1), 1-13.
- Ong, Q., Ho, K.W., and Ho, K. C. (2013). Altruism within the family: a comparison of father and mother using life happiness and life satisfaction, *Social Indicators Research*, 111 (2), 485-510.
- Okulicz-Kozaryn, A., and Mazelis, J. M. (2018). Urbanism and happiness: A test of wirth's theory of urban life, *Urban Studies*, 55 (2), 349-364.
- Rashidi Kochi, F., Najafi, M., and Mohammadyfar, MA. (2016). The role of positive psychological capital and the family function in prediction of happiness in high school students. *Journal of Positive Psychology*, 2(3), 79-95 (In Persian).
- Rohani, A., and Aboutalebi, H. (2009). The relationship between marital satisfaction and happiness with the type of employment of women. *Journal of Industrial Psychology*, (1)1, 55-62 (In Persian).
- Rötheli, T. F. (2021). A theory of relativity of cultures, incomes and happiness, *Journal of Interdisciplinary Economics*, 33 (1), 54-73.
- Saadatian, S., and Shirafkan, A. (2018). The impact of family-based interventions on parenting styles of parents and happiness of adolescents with behavioral problems in Mashhad. *Journal of Education, Counseling and Psychotherapy*, 7(26), 83-94 (In Persian).
- Samiei Esfehiani, AR., Poordanesh, S., and Danesh, H. (2018). The social factors affecting the social happiness of teachers (Case Study). *Iranian Journal of Sociology of Education*, 6, 186-200 (In Persian).
- Shishefar, S., Kazemi, F., and Pezeshk, Sh. (2017). The effectiveness of reality therapy training to increase happiness and responsibility in the mothers of children with Autism disorder. *Journal Psychology of Exceptional Individuals*, 7(27), 53-77 (In Persian).
- Shoshana, A. (2020). Inside happiness groups: Everyday happiness self-awareness, and resistance, *Journal of Contemporary Ethnography*, 49 (5), 539-563.
- Strauss, A., and Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative*